

بررسی ویژگی‌های معماری زندان شهربانی یزد و سیر تحولات کالبدی آن در دوران معاصر

بردیا حاجی‌رسولی‌ها^{۱*}، سعید همت‌زاده^۲

۱. محقق دوره‌ی دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان

۲. کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان

چکیده

زندان شهربانی یزد، واقع در محدوده دارالحکومه قدیم (خیابان شهید ابراهیمی کنونی)، یکی از معدود بناهای امنیتی-حکومتی به‌جامانده از دوران قاجار و پهلوی اول به شمار می‌رود. این بنا که در بافت تاریخی شهر یزد و در قلب ارگ حکومتی قدیم قرار گرفته، با وجود تغییرات گسترده و وقفه‌های تاریخی متعدد، تقریباً تا پایان دهه ۷۰ ه.ش مورد استفاده بوده است. با گذار از زندان‌های دوران قاجار به پهلوی و تأسیس زندان شهربانی دگرگونی‌های مهمی در کالبد و کارکرد بنا پدید آمد؛ بخشی از این تحولات به منظور حذف عناصر دوره‌های پیشین و بخشی دیگر ناشی از نیازهای عملکردی هر دوره بوده است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل ویژگی‌های معماری زندان شهربانی یزد از سه منظر «ساختار فضایی»، «الگوهای ساخت» و «نظام کارکردی»، به سیر تحولات کالبدی و عملکردی آن در طی یک قرن گذشته تا عصر حاضر می‌پردازد. این پژوهش به روش موردکاوی استقرایی و با توصیف و تحلیل شواهد کالبدی باقی‌مانده، اسناد تاریخی مکتوب و تصویری انجام شده است. همچنین در تلاش برای پاسخ به این پرسش است که: ویژگی‌های کالبدی و کارکردی زندان شهربانی یزد در طول زمان چه بوده و این ویژگی‌ها چه تحولاتی را از ابتدا تا امروز پشت سر گذاشته‌اند؟ یافته‌ها حاکی از وجود شواهد اندکی از معماری قرن هشتم و نهم هجری در لایه‌های زیرین بنا است که با موقعیت اثر در ارگ حکومتی قدیم یزد همخوانی دارد. همچنین با انتقال از دوره قاجار به پهلوی، زندان جلالی قاجار به زندان شهربانی تبدیل شد و اوج رونق و گسترش عملکردی آن در دهه ۱۳۴۰ ه.ش قابل ردیابی است. بر مبنای تحقیقات میدانی و تحلیل اسناد تاریخی، سیر تحولات کالبدی و کارکردی این بنا به چهار دوره عمده تقسیم می‌شود: ۱- ۱۲۵۰ تا ۱۳۱۰ ه.ش ۲- ۱۳۱۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش ۳- ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵ ه.ش ۴- ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳ ه.ش، که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: معماری قاجار-پهلوی، زندان شهربانی، سیر تحولات کالبدی، ارگ حکومتی، یزد

۱- مقدمه

در طول تاریخ ایران، برقراری نظم و امنیت در جوامع، یکی از چالش‌های اصلی تمام نظام‌های حکومتی بوده است. نهادهای امنیتی، مانند هر نهاد اجتماعی دیگری در طول تاریخ، دچار تغییر و تحول شده و به نوعی تکامل یافته است. پیشینه شکل‌گیری نهادهای امنیتی به شکل‌گیری حکومت‌ها برمی‌گردد. در واقع، یکی از مهم‌ترین اهداف حکومت‌ها در جوامع نخستین، تأمین نظم و امنیت بوده؛ به صورتی که به چنین نهادهایی نیاز داشته‌اند (اسدی، ۱۳۹۵: ۵۷). نهاد امنیتی-انتظامی ایران در ابتدای دوره قاجار تا عصر ناصرالدین‌شاه، ادامه شیوه دوره‌های پیشین بود. اما از این دوره به بعد، نخستین تحول در نحوه مدیریت نظم و امنیت کشور شروع شد.

آقا محمدخان قاجار (پادشاهی: ۱۱۷۵ ه.ش) با انتصاب قاسم‌خان دولو (نخستین رییس نظمیۀ در ایران) به عنوان کوتوال^۱ تهران، اولین گام را در راه تشکیل نظمیۀ در تاریخ معاصر ایران برداشت (اسدی، ۱۳۹۵: ۶۶). با آغاز سلطنت ناصرالدین شاه (سلطنت: ۱۲۲۷ تا ۱۲۷۵ ه.ش) روند تدریجی تحوّل در دستگاه اداری و سیستم اطلاعاتی و امنیتی قاجارها سرعت گرفت. پس از سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا، با درخواست کمک از دولت اتریش برای تشکیل یک سیستم امنیتی و ورود یک نجیب‌زاده ایتالیایی به نام «کنت آنتوان دمونت فورته»^۲، در سال ۱۲۵۶ ه.ش نخستین تشکیلات نظمیۀ در ایران شکل گرفت.

بعد از فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان در سال ۱۲۸۸ ه.ش پیرم خان ارمنی از سران مجاهدین به ریاست نظمیۀ منصوب شد. تا آنکه در دورۀ احمدشاه قاجار به سال ۱۲۹۲ ه.ش، یک مستشار سوئدی به نام کلنل کارل گوستاو وستداهل استخدام گردید که همراه با او افرادی چون برگداهل (مامور آگاهی) و وارفاس (پلیس) وارد ایران شدند. افسران سوئدی توانستند وضعیت نظمیۀ را احیا کنند و به آن نظم و کارآمدی مطلوبی دهند. در این دوره، وضعیت زندان‌های نظمیۀ، از جمله زندان نظمیۀ تهران که در میدان توپخانه قرار داشت، تغییر کرد. نقطه عطف این تغییر، تدوین نظام‌نامه محابس یا همان آیین‌نامه زندان‌ها بود که در سال ۱۲۹۸ ه.ش به تصویب رسید (محبوبی، ۱۳۵۷: ۱۴۳). تا اینکه رضاخان، پس از کودتای سال ۱۲۹۹ ه.ش، اداره نظمیۀ و کمیساریاها را موردهدف خود قرار داد. او به مکان نظمیۀ مرکزی در میدان توپخانه حمله کرد و ساختمان را با توپ ویران کرد. سرانجام در سال ۱۳۰۲ ه.ش / ۱۳۰۱ ه.ق به فعالیت سوئدی‌ها در نظمیۀ پایان داد و آن را زیر نظر وزارت جنگ درآورد (رشیدیان رزینی، ۱۴۰۱: ۴۸-۴۶). پس از آن که ژنرال وستداهل از سمت خود برکنار شد و سرهنگ درگاهی در سال ۱۳۰۲ ه.ش به‌عنوان رئیس نظمیۀ و پس از او کوپال (۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ ه.ش) در این سمت انتخاب شدند. آخرین رییس نظمیۀ در دوران پهلوی اول سرهنگ رکن الدین مختاری بود که از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ ه.ش این سمت را حفظ کرده بود.

در این زمان یکی از دگرگونی‌های چشمگیر، تغییر نام نظمیۀ به طور رسمی به شهربانی بود؛ درواقع، بر اساس مصوبه فرهنگستان، نظمیۀ کل مملکتی به **شهربانی کل کشور** تغییر نام داد. بعد از این زمان، بناهای متعددی در شهرهای ایران با نام شهربانی دایر شدند (رشیدیان رزینی، ۱۴۰۱: ۴۸-۴۶).

زندان شهربانی یزد، واقع در محدوده دارالحکومه قدیم (خیابان شهید ابراهیمی کنونی)، یکی از معدود بناهای امنیتی-حکومتی به‌جامانده از دوران قاجار و پهلوی اول به شمار می‌رود. این بنا که در بافت تاریخی شهر یزد و در قلب ارگ حکومتی قدیم قرار گرفته، با وجود تغییرات گسترده و وقفه‌های تاریخی متعدد، تقریباً تا پایان دهه ۷۰ ه.ش مورد استفاده بوده است با گذار از زندان‌های دوران قاجار به پهلوی و تأسیس زندان شهربانی دگرگونی‌های مهمی در کالبد و کارکرد بنا پدید آمد.

بررسی تحولات تاریخی-اجتماعی سنگ زیربنای شناخت وضع موجود است و درک درست از شرایط دیروز و امروز می‌تواند به تخمین دگرگونی‌های بعدی یک پدیده کمک کنند (رحیم نیا و بیلاق بیگی، ۱۴۰۳). با چنین نگاهی، می‌توان زندان شهربانی یزد را به مثابه یک بنای تاریخی-حکومتی و میراثی ارزشمند تعریف کرد و فرایند شکل‌گیری آن را در بستر شهر تبیین و بازشناسی کرد.

۲. روش پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی ساختار معماری زندان شهربانی یزد و ترسیم یک دوره‌بندی تاریخی، بر اساس تغییرات کالبدی و کارکردی است. این پژوهش به روش مورد کاوی استقرائی و با توصیف و تحلیل شواهد کالبدی به جای‌مانده از ادوار مختلف تاریخی در زندان شهربانی یزد انجام شده است. این پژوهش گونه‌ای از تحقیقات تاریخی است که به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استناد به اسناد و مدارک تاریخی (اسناد نوشتاری و تصویری) برای دستیابی به اهداف خود استفاده کرده است. در ابتدا اطلاعات اولیه درباره تاریخچه زندان در ایران از دیدگاه تاریخ‌نگاران و سیاحان بررسی شد. سپس سازوکار زندان‌های قاجار در یزد، پیش از شکل‌گیری زندان

شهربانی در دوره پهلوی، مطالعه گردید تا شناخت بهتری از کالبد و کارکرد زندان پیش از ظهور نهاد شهربانی به دست آید. پس از آن بستر تاریخی زندان شهربانی در شهر تاریخی یزد مورد توجه قرار گرفت تا ارتباط میان بنا و بستر شهری آن روشن شود. در تحلیل کالبد معماری بنا، علاوه بر مطالعه اسناد تاریخی مکتوب، از مشاهدات دقیق میدانی، نقشه برداری، گمانه زنی، عکس برداری، بررسی عکس های هوایی و تصاویر تاریخی موجود در آرشیوهای شخصی بهره گرفته شد. در این راستا، ویژگی های معماری در سه حوزه «ویژگی های کالبدی-فضایی»، «الگوها و روش های ساخت» و «نظام کارکردی» دسته بندی شدند و در زیر حوزه های «ساختار اجزای پلان، ارتباطات فضایی، الگوی هندسی فضاها، الگوی طاق ها و قوس ها و مواد و مصالح» مورد بررسی قرار گرفتند. سپس ویژگی های کالبدی و تغییرات آن در ادوار مختلف با اسناد و مدارک تاریخی تطبیق داده شد تا امکان ترسیم یک دوره بندی تاریخی دقیق برای زندان شهربانی فراهم آید.

پرداختن به این موضوع از این جهت دارای اهمیت است که درک فرایند تاریخی و سیر تحول آن می تواند به شناخت بهتر وضع موجود بنا کمک کرده و برای برنامه ریزی صحیح اقدامات حفاظتی راهگشا باشد. همچنین این مطالعه نگاهی به یکی از قدیمی ترین نقاط حکومتی شهر یزد خواهد داشت که در اثر مداخلات دوره پهلوی، به لحاظ کالبدی و کارکردی با تغییرات گسترده ای همراه بوده و دیگر نشانه هایی از وضعیت اصیل خود را ندارد. از طرفی تاکنون پژوهش های بسیار محدودی در حوزه مطالعات کالبدی و کارکردی زندان های شهربانی در ایران انجام شده و این مقاله می تواند بخشی از این خلأ پژوهشی را پر کند و مبنایی برای پژوهش های آتی در این حوزه فراهم آورد. به علاوه آنکه بررسی سیر تحولات تاریخی این بنای ارزشمند، اطلاعات مهمی درباره بخشی از تاریخ معماری شهر یزد ارائه می دهد و مبنایی برای مداخلات مرمتی بنای مذکور در اختیار معماران و مرمت گران می گذارد.

با وجود تحولات گسترده در محدود دارالحکومه تاریخی یزد، در محدود منابع و پژوهش های صورت گرفته به سیر تحولات تاریخی بناهای این محدوده از بافت تاریخی، با نگاهی منسجم پرداخته شده است. در این راستا و در جهت ارائه تصویری روشن از نظام کالبدی و کارکردی زندان شهربانی یزد، این پژوهش در تلاش برای پاسخ به سوالات زیر انجام شد است:

- ویژگی های کالبدی معماری و کارکردی زندان شهربانی یزد در دوره های مختلف تاریخی چیست؟

- و در سیر تاریخی خود چه تحولاتی را از آغاز تا به امروز پشت سر گذاشته است؟

۳. پیشینه تحقیق:

۳-۱. تاریخ زندان در ایران

از نگاه تاریخی می توان «زندان» را به دو دسته زندان پیشامدرن و زندان مدرن تقسیم بندی کرد. در دوره پیشامدرن (پیش از دوره پهلوی) نهادی به عنوان زندان تعریف نشده و مکانی طراحی شده برای زندان وجود نداشته است؛ به همین سبب از مکان های مختلفی مانند چاه ها، قلعه ها، خانه ها، باغ ها و غیره در حکم زندان استفاده می شده است. در این باره می توان به زندان قهقهه در غرب شهر اردبیل، مربوط به دوره صفوی، اشاره کرد. این زندان یک قلعه مستحکم است که در اصل پناهگاه دوره اسماعیلیان بوده اما در زمان شاه طهماسب اول به عنوان زندان و تبعیدگاه شاهزادگان مغضوب و رجال سیاسی مخالف حکومت استفاده می شده است (مسرور، ۱۳۴۰: ۱۸۴). نمونه دیگر، قلعه اصطخر فارس است که حتی پیش از دوره صفوی نیز به عنوان زندان مورد استفاده بوده است. این قلعه یک زندان دولتی بوده که بیشتر محبوسین سیاسی در آن نگه داری می شدند. نمونه دیگر، قلعه طبرک اصفهان است که شاردن درباره آن نوشته: «این برج از بقیه بزرگتر است و ایرانیان به زندان، زنجیرخانه می گویند» (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۷: ۲۶۵). علاوه بر قلعه ها، در برخی از موارد پیش آمد که حتی فرد در خانه خود زندانی می شد. پیتر دلاووله شرح می دهد که در دوره شاه عباس اول، سلیمان خان که حاکم قزوین بود، به علت سوء استفاده هایی که کرده بود در خانه خود زندانی بوده است (مومنی، ۱۳۹۷: ۲۲۷). با وجود اطلاعات اندکی

که در رابطه با زندان‌های پیشامدرن در دست است، اما بر اساس منابع مکتوب، به‌ویژه از میان خاطرات محبوسین یا روایات سیاحان، می‌توان گفت که در آن دوران، دو نوع زندان در ایران وجود داشته است؛ «یکی به نام انبار که زندان دزدان و جانیان و غیره بود و دیگری زندان سیاسی؛ که معمولاً زندانیان را ابتدا در خانه حکمران یا رئیس‌نظمه زندانی می‌کردند و سپس برای گذراندن دوره حبس، به یکی از قلاع می‌فرستادند» (حمزه وندچالی، ۱۳۹۶: ۶۸). البته، برخی از مورخان و صاحب‌نظران معتقدند که انبارها، زندان‌های درون‌شهری بوده‌اند که از جمله آنها می‌توان به انبار تهران یا انبار مشهد در زمان قاجار اشاره کرد (خزائی، ۱۳۹۷: ۱۶). کارکرد اصلی زندان‌های پیشامدرن، سرکوب محبوسین و دور کردن و حذف کردن آنها از جامعه بوده و موضوع اصلاح زندانیان (یا محبوسین) مطرح نبوده است (رضایی فومنی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۵-۱۵۳). ویلم فلور می‌گوید: «در دوره صفویه رئیس زندان عمومی یا کشوری وجود نداشت. هر یک از مقامات دست‌اندرکار امور قضایی، اعیان و اشراف، نظیر قورچی‌باشی، داروغه یا احداث، از کارکنان خود در راستای انجام وظیفه استفاده می‌کردند و هر کدام تعدادی از اتاق‌های منزل خود را به‌صورت سلول انفرادی در می‌آوردند و از آنها برای زندانی کردن مجرمین بهره می‌بردند» (فلور، ۱۳۸۵: ۶۸). این روایت حاکی از آن است که در آن دوره، چیزی تحت عنوان زندان عمومی وجود نداشت و هر قاضی افرادی را به‌عنوان مسئول توقیف و بازداشت و نگهداری مجرمان به‌کار می‌گماردند. لرد کرزن که در دوره ناصرالدین‌شاه به ایران آمده بود، درباره وضعیت زندان‌های آن دوره نوشته است: «مجازات حبس ابد در ایران وجود ندارد، حتی حبس چندین ساله هم سابقه ندارد و بازداشت طولانی هم بسیار نادر است. می‌گویند در تهران سه نوع زندان است؛ یکی در زیرزمین ارگ که از قرار معلوم بازداشتگاه محبوسانی است که بر ضد دولت تباری و یا اقدام جنایت‌آمیز کرده باشند؛ دیگری زندان شهر که مجرمان عادی طبقه پایین با زنجیری بر گردن و گاهی بر پا در آنجا زندانی و محبوس شده‌اند؛ و دسته سوم، بازداشتگاه خصوصی که غالباً مختص اعظام است. تحمیل کیفر در مورد حبس هم تابع جرایمی قاطع و سریع است که هدف مجازات به هیچ وجه بهبود و اصلاح مقصر نیست» (کرزن، ۱۳۷۳: ۵۹۵-۵۹۴). مادام کارلا سرنای در توصیف زندان‌های زمان ناصرالدین‌شاه نوشته است: «من در خانه‌های شخصی تهران زندان‌هایی دیدم و شاهد صحنه‌هایی بوده‌ام که اگر آنها را نقل کنم به گرافه‌گویی و کتمان حقیقت متهم خواهم شد. اکثر زندان‌ها خصوصی‌اند و در خانه اعیان و مالکان بزرگ قرار دارند و شرایط همگی آنها رقت‌انگیز است. یک شخصیت والا اگر در خانه خود زندانی نداشته باشد و در برخی موارد شخصاً اجرای عدالت نکند، مادون طبقه خویش قرار گرفته است. در نتیجه هر صاحب مقامی مدعی است که حق دارد در خانه خود و تحت نظارت نوکران خویش مجرمان را به چوب ببندد و زندانی کند. یکی از صفات ایرانیان دادن صدقه و احسان به دیگری است، بسیاری از عابران چند شاهی در دست زندانیان که بیشترشان بی‌گناه و کمتر تبهکارند، می‌اندازند. به طوری که اشخاص زیادی بی‌آنکه دعوایی علیه آنها اقامه شده یا محاکمه‌ای شده باشند در زندان به‌سر می‌برند. با این حال زندگانی این گروه در مقایسه با زندانیانی که در سیاه‌چال‌های دربار که انبار نام دارد به‌سر می‌برند، به مراتب شیرین‌تر است. در آنجا زندانیان را بر حسب جنایتی که مرتکب شده‌اند در گروه‌های پنج یا شش نفری به یک‌دیگر بسته‌اند و زنجیرهای آن‌چنان سنگینی بر گردن و سینه و پا دارند که به زحمت آن را تحمل می‌کنند. گاهی یک زندانی را به‌تنهایی به حلقه‌ای که به دیوار کوبیده است می‌بندند؛ توقیف زندانی هیچ‌گاه مدت معینی ندارد» (سرنای، ۱۳۶۳: ۱۳۳-۱۳۱). مرتضی رواندی در شرح زندان‌های زمان ناصرالدین‌شاه نوشته است: «سجن (زندان) که محل مظلوم و مظلومان بود، فی‌الحقیقه دخمه تنگ و تاریک، از آن افضل بود. چون وارد حبس شدیم، بعد از ورود ما را داخل دالان ظلماتی نمودند. از آنجا از سه پله سراسیمه گذشتیم و به مقری که معین نموده بودند رسیدیم. اما محل تاریک و معاصر ۱۵۰ نفر از سارقان اموال و قاتلان نفوس و قاطع آن طرق بود. با این جمعیت، محل منفذ نداشت جز طریقی که وارد شدیم. اقلام از وصفش عاجز و روایح متعفّاش خارج از بیان و آن جمع اکثری بی‌لباس و فراش، الله یعلم ما ورد عینا فی ذالک المقام، خدا می‌داند که در آنجا چه بر ما گذشت» (راوندی، ۱۳۶۹: ۲۵۰-۲۴۹).

۲-۳. زندان مدرن در ایران

تاریخ شکل‌گیری زندان‌های مدرن در ایران را می‌توان به انقلاب مشروطه مربوط دانست. گرچه پس از مشروطیت هم‌چنان از قلعه‌ها در حکم زندان استفاده می‌شد، اما با تصویب مصوبه‌های دولتی در سال ۱۲۹۹ ه.ش / ۱۹۲۰ م و تأکید بر حقوق ملت به تدریج رویه حبس در قلعه‌ها لغو شد (خزائی، ۱۳۹۷: ۱۸). از آن دوره بود که روند ساخت زندان در دولت پهلوی از سال ۱۳۰۳ ه.ش آغاز شد و به تدریج در بسیاری از شهرها توسعه پیدا کرد. به طوری که اولین زندان رسمی ایران (یعنی زندان قصر) در سال ۱۳۰۸ ه.ش، جهت نگهداری ششصد نفر محکوم بنا گردید (ایزدپناه و ایزدپناه، ۱۴۰۰: ۳۸۹).

۳-۳. زندان یزد در زمان قاجار

شهر یزد در دوره قاجاری دو زندان داشته است که چون هر دو زندان در دوره حکم‌فرمایی جلال‌الدوله (۱۲۶۹-۱۲۸۳ ه.ش) ساخته شد، به زندان‌های جلالی معروف بودند^۵ (محبوبی اردکانی، ۱۳۶۸: ۴۳۶/۲). یکی از زندان‌ها در دارالحکومه یزد (خیابان فرمانداری یا خیابان شهید ابراهیمی فعلی) قرار داشته که مخصوص طبقه اعیان و بالادست شامل افراد متمول، ثروت‌مند و سرشناس بوده است. زندان دیگر، واقع در میدان خان، به داروغه اختصاص داشته و اغلب بی‌نویان و تهیدستان و افراد طبقه عادی در آن محبوس بودند. نواب وکیل در خاطرات خود، زندان‌های جلالی را این‌گونه توضیح می‌دهد: «جلال‌الدوله برای حصول به مقاصد خود، دو زندان فراهم دیده، یکی در قلعه که قلعه حکومتی بوده و دیگری در میدان خان... زندانی که جلال‌الدوله در یزد احداث کرده بود به اشخاص متمکن و متعین اختصاص داشت، بدین مناسبت آن گروه از افرادی که امکان پرداخت وجه و جیره کافی نداشتند یا بنا به جهاتی در راه ارضای خاطر حضرت والا گام بر نمی‌داشتند، اکثراً در این زندان محبوس می‌شدند و مورد شکنجه قرار می‌گرفتند. مدت حبس اشخاص و چگونگی رفتار دژخیمان با آنان به کیفیت تأمین تمایلات و اجرای دستورها و تصمیم ناگهانی جلال‌الدوله بستگی داشت» (تشکری بافقی، ۱۳۷۷: ۱۳۲-۱۳۰). او همچنین درباره زندان واقع در میدان خان می‌گوید: «محبس داروغه یک درب کوچک داشت که راه ورود زندانیان به داخل زندان بود و در قسمت جلوی آن مشرف بر میدان، روزنه‌ای وجود داشت... هزینه‌های داروغه و مامورین و فراشان او و همچنین مختصر قوت لایموتی که موردنیاز زندانیان بود، باید از طریق اهل زندان تأمین می‌شد. بدین صورت که هر یک از زندانیان دست خود را از روزنه بیرون می‌آوردند و با زاری و تضرع از ناظران و عابران و مردم حاضر در میدان تکدی می‌کردند. واضح بود که ناله‌ها و گریه‌های جانسوز این اسیران محبس، دل هر شاهد و ناظری را به رقت برمی‌انگیخت و از روی طبع برای تسکین آلام آنها، هرکس در حد وسع خود مبلغی پول یا مقداری خوراکی به آنها می‌داد (تشکری بافقی، ۱۳۷۷: ۱۳۴-۱۳۳). ناظم‌الاسلام کرمانی هم وضع زندان قاجار یزد را چنین توصیف می‌کند: «زندان عبارت است از اتاق تاریک، مرطوب و کثیفی که در آن جز گنده برای پا و زنجیر برای گردن و پشه و کک و شپش و صاص (ساس) برای اذیت دیگر پاسخ پیدا نمی‌شود. در بیست و چهار ساعت شبانه‌روز پنج سیر نان خشک به هریک می‌دهند. آب خیلی به‌ندرت و کم است؛ به‌ملاحظه آنکه زیاد محتاج به ادرار نگردند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۲).

۳-۴. زندان یزد در زمان پهلوی

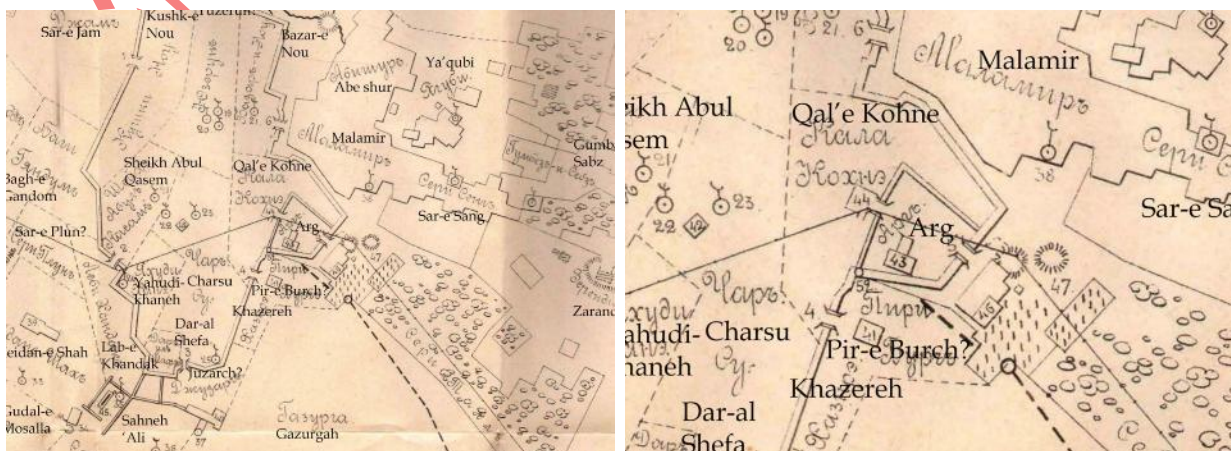
سیاست‌های دولت رضاشاه در مقوله شهرسازی در تهران، به سرعت در شهرهای دیگری از جمله اصفهان و یزد نیز پیاده‌سازی شد و نقشه‌های آن از طریق وزارت کشور در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ به شهرداری‌ها ابلاغ گردید (حبیبی، ۱۳۸۹: ۸۸). با تغییرات شهرسازی دوره پهلوی اول، عناصر جدید شهری شامل ساختمان‌های دولتی، فرهنگی، آموزشی، صنعتی، بهداشتی و پارک‌ها ایجاد شدند و ساختمان‌های جدیدی از جمله ژاندارمری، اداره ثبت احوال، اداره مالیه و چند ساختمان فرهنگی دیگر نیز در موقعیت ارگ قدیم ساخته شدند (کاوه، ۱۳۲۸: ۲۰). در واقع فرمانداری یزد و دیگر ساختمان‌های دولتی و اداری این دوره در محدوده دارالحکومه قدیم احداث گردیدند و به‌نوعی دارالاماره یزد در موقعیت محوطه حکومتی قدیم شهر، توسعه یافت.

1-4. موقعیت بنا در دارالحکومه قدیم یزد

دارالحکومه قدیم یزد که شاه‌یحیی در دوره آل مظفر بنا کرد، در دوره‌های مختلف تاریخی با نام‌هایی از جمله قلعه مبارکه، نارنج قلعه، قلعه کهنه و ارگ حکومتی شناخته می‌شده است (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۶۴). در زمان حکومت آل مظفر در یزد، شاه یحیی ایوان و عمارتی در نزدیکی خانقاه پدربزرگش، مبارزالدین، در قسمت جنوبی شهر ساخته بود که با ابلاغ فرمان یادشده در دوره تیموری، باروی عریضی در این محدوده کشیدند. سپس برج‌ها و سنگ‌اندازهایی برای قلعه ساختند و از طرف شهر برای آن خندقی حفر کردند و برای دروازه‌ها درهای آهنین کار گذاشتند (بهرآ و نادری، ۱۳۹۹: ۲۷۰). در تاریخ جدید یزد درباره قلعه مبارکه آمده است: «بر طرف جنوبی شهر که خانه و ایوان و دیوان‌خانه شاه یحیی بود جدا کردند و اندرون شهر باروی مستحکم بکشیدند و تمام آن عمارات و سرای ایشان و بادگیرها در اندرون شهر راست شد» (کاتب زیدی، ۱۳۵۷: ۹۲-۹۱). مستوفی بافقی نیز درباره قلعه مبارکه در زمان حکومت تیموریان چنین می‌نویسد: «... چون رای جهان آرای حضرت صاحبقران گیتی ستان اقتضا فرمودند که در یزد به جهت حفظ خزانه و اموال دیوانی و محل حکومتگاه حکام قلعه ساخته گردد بنا بر آن بر جنوب شهر که خانه و دیوان‌خانه شاه یحیی بود، باروی عریض و طویل کشیدند و خندق عمیق مانند فکر عقلا دقیق حفر نمودند و برج‌های عالی و سنگ‌اندازه‌ها ترتیب نمودند ... و اندرون قلعه عمارات عالی و ایوان‌ها بساختند و اتمام عمارات و قلعه در سنه ثمان ثمانمائه اتفاق افتاد و امیر زاده اسکندر بن عمر شیخ در اندرون قلعه قصری عالی و حمامی با مسلخ و حیاض و خلوت بنا فرمود با اتمام رسید». در دوره صفوی، قسمت‌های زیادی از این قلعه حکومتی به دستور فرمانروایان عباسی تخریب شد و بقایای آن به نارنج قلعه، نارنج قلعه و قلعه کهنه شهرت یافت (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۱۷۵). در دوره قاجار، به‌ویژه در دوره حکم‌فرمایی عبدالرحیم خان (مستوفی) و محمد خان والی قسمت‌های جدیدی در این محوطه ساخته شد. به‌عبارتی، شاه‌یحیی دولتخانه خود را در این مکان بنا کرد و در دوره‌های بعد به عنوان محوطه حکومتی یزد مورد استفاده قرار گرفت. حتی پس از خیابان‌کشی‌های پهلوی اول و احداث خیابان پهلوی که بخش‌های زیادی از این محوطه حکومتی تخریب شد، اما بقایای آن به‌عنوان فرمانداری، شهرداری و ادارات حکومتی مورد استفاده قرار گرفت و این محوطه جایگاه حکومتی خود را تا به امروز حفظ کرد.

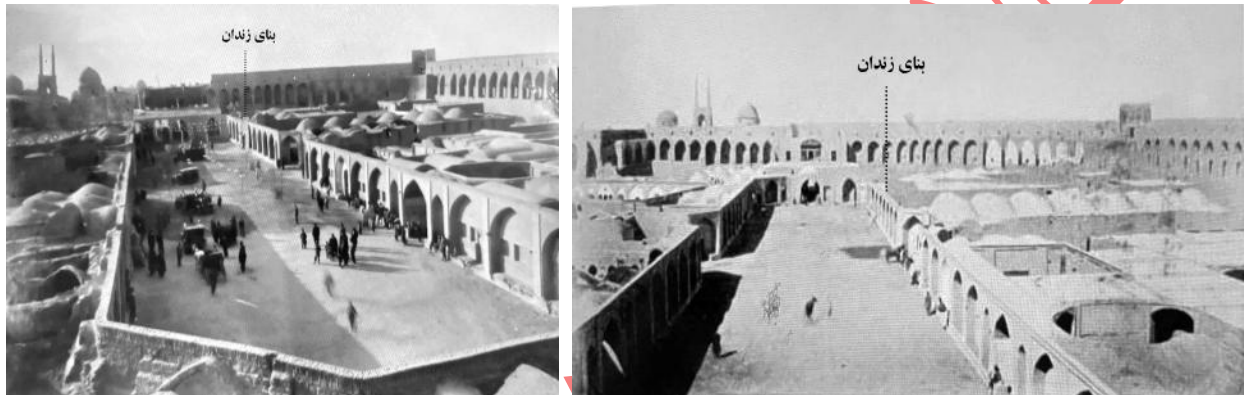
۲-۴. موقعیت بنا از زمان قاجار تا به امروز

در نقشه تهیه شده توسط شتالوف^۶ در سال ۱۸۹۹ میلادی / ۱۲۷۷ ه.ش از یزد، حصار ارگ حکومتی دوران قاجار همراه با خانه فرماندار در بخش جنوبی محل قلعه کهنه (محل کنونی سازمان میراث فرهنگی) قرار دارد و دو دروازه هم‌راستا در جانب شمالی و جنوبی آن نشان داده شده است. این دروازه‌ها احتمالاً در سال‌های ابتدایی قرن چهاردهم ه.ش و هم‌زمان با احداث خیابان فرمانداری از بین رفته‌اند (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت قرارگیری محله قلعه کهنه و ارگ حکومتی در نقشه شتالوف به سال ۱۸۹۹ میلادی (منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد)

در تصاویر بدست آمده از محدوده دارالحکومه یزد که در نیمه دوم سده ۱۳ ه.ش توسط ناپیر مالکوم گرفته شده، بنای شهربانی در ضلع شمالی میدان ارگ حکومتی قرار گرفته است. این تصویر نشان می‌دهد که ساختار کلی زندان از اواسط حکومت قاجار وجود داشته و احتمالاً قسمت‌های داخلی (حیاط مرکزی و اتاق‌های اطراف) در زمان پهلوی دچار تغییر و تحول شده است (شکل ۲). بر اساس این تصاویر می‌توان متوجه شد که ساختار میدان به صورت یک مستطیل کشیده با دو محور عمود بر هم بوده که محور افقی با یک گذر مسقف، دقیقاً از کنار بنای زندان می‌گذشته است. به علاوه احتمالاً در میان ضلع بزرگتر، دو دروازه ورودی- خروجی قرار داشته که با چرخش زاویه دار دیوارها در دو سمت ورودی، خود را متمایز کرده است.



شکل ۲. تصویر میدان ارگ حکومتی یزد که در سال‌های ۱۲۷۷-۱۲۸۳ ه.ش توسط مالکوم گرفته شده است (منبع: مالکوم، ۱۳۹۴).

همانطور که گفته شد بنای زندان شهربانی، در محدوده محله قلعه کهنه، واقع در خیابان شهید ابراهیمی امروزی و در قسمت شرقی دارالحکومه قدیم یزد قرار گرفته است. این محله همانطور که در گذشته قسمتی از ارگ حکومتی بوده، امروزه نیز در میان بناهای تعدادی از بناهای مهم دولتی از جمله: اداره فرمانداری، اداره پست و تلگراف قدیم، سازمان نیروی انتظامی، اداره میراث فرهنگی و گردشگری استان یزد، سازمان ثبت احوال و اداره مالیات قرار دارد (شکل ۳). امروزه وجود این بناهای شاخص چهره این محله را به عنوان یک شخصیت مهم دولتی/ اداری تبدیل کرده است.



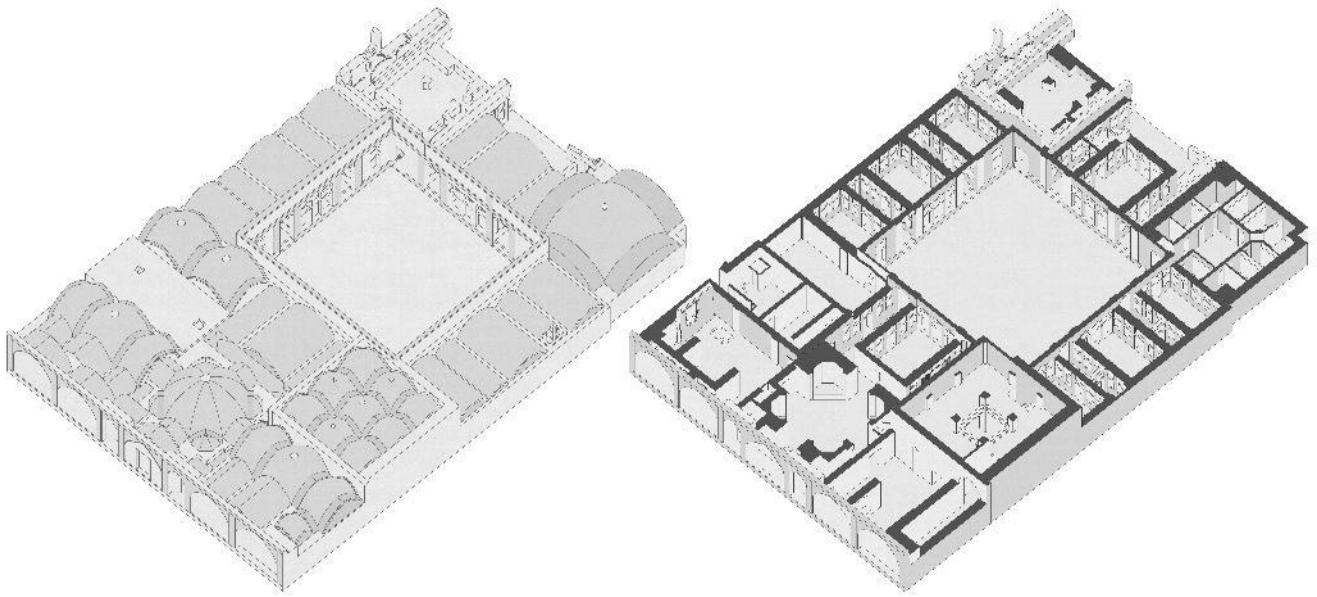
شکل ۳. موقعیت قرارگیری زندان شهربانی و بناهای دولتی همجوار آن در محدوده محله قلعه کهنه (منبع: نگارندگان)

۳-۴. معرفی اجمالی اثر

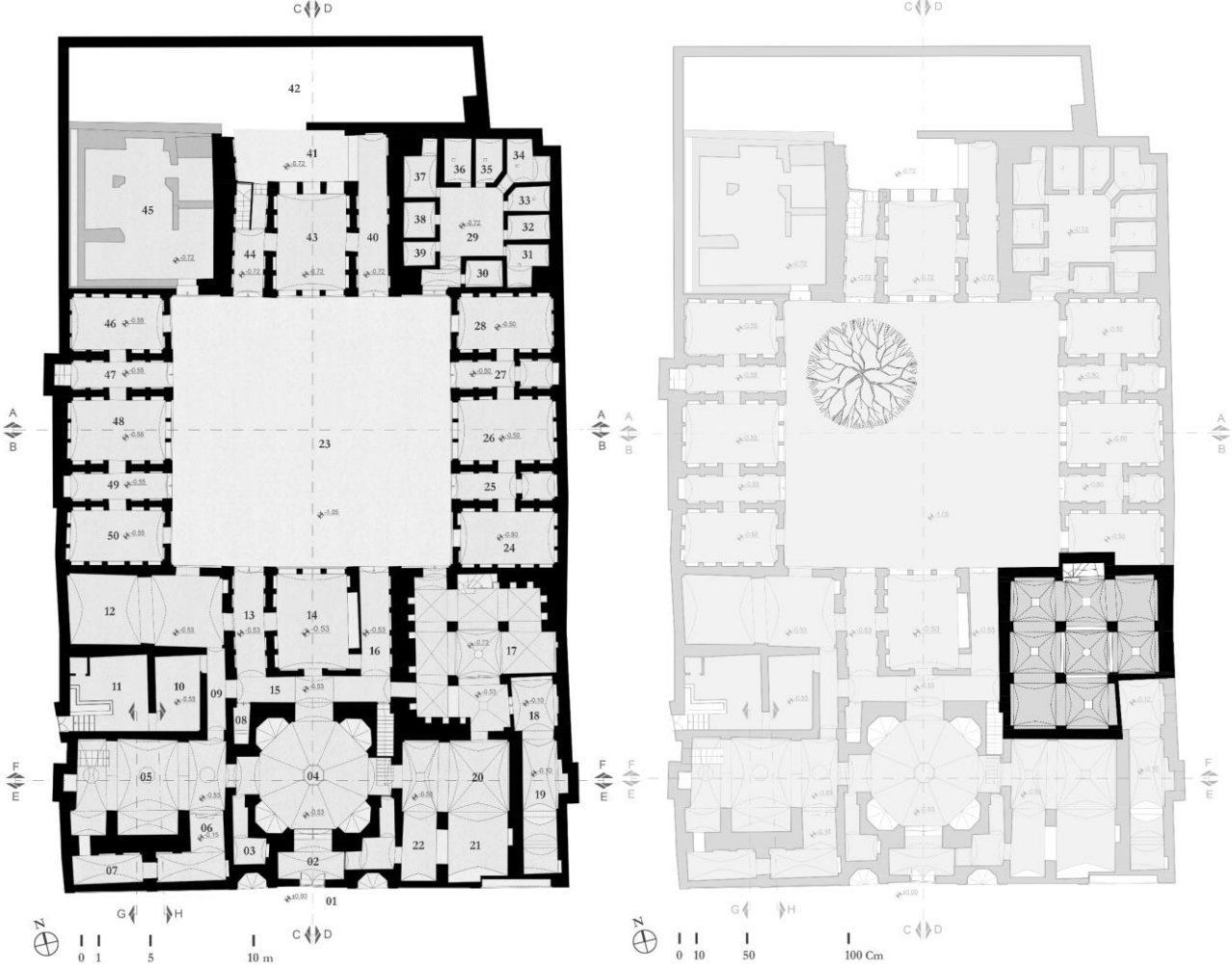
این بنا در زمینی به ابعاد ۳۰ در ۴۵ متر، با تناسب ۱ به ۱.۵ قرار دارد. جهت‌گیری طولی بنا بر طبق زاویه چرخش بافت، در زاویه ۵۸ درجه شمال شرقی-جنوب غربی است. ورودی اصلی و تنها ورودی آن در حال حاضر، در جبهه جنوبی و از جانب گذر اصلی فرمانداری است که دسترسی به حیاط را از طریق هشتی ورودی و راهروهای متصل به آن برقرار می‌کند. الگوی اصلی بنا به صورت تک حیاط مرکزی با تناسب تقریباً مربع و کشیدگی شرقی-غربی است که فضاهایی یک طبقه در چهار جبهه آن ساماندهی شده‌اند (شکل ۴). جبهه جنوبی بنا الگویی کاملاً متفاوت از الگوی فضاهای قرار گرفته در اطراف حیاط دارد. این تفاوت در نوع تقسیمات فضایی، ابعاد دهانه‌ها، نوع چفدها، طاق‌ها، طاقچه‌ها، ضخامت جرزها و پایه‌ها، نوع دسترسی‌ها و نورگیرهای سقفی قابل مشاهده است (شکل ۵ و ۶).



شکل ۴. تصاویر داخلی حیاط زندان شهربانی با راهروها و اتاق‌های سهدری قرار گرفته در اطراف آن (منبع: نگارندگان)



شکل ۵. مدل سه بعدی وضعیت موجود زندان شهربانی یزد (منبع: نگارندگان)



شکل ۶. نقشه طبقات همکف (چپ) و اول (راست) (منبع: نگارندگان)
 لازم به ذکر است که توصیف تمامی فضاها در متن مقاله بر اساس شماره هر فضا بر روی نقشه ۶ است.

۴-۴. ویژگی‌های کالبدی و الگوهای فضایی

در تحلیل ویژگی‌های ساختاری - کالبدی بنای زندان شهربانی یزد، سه شاخص: ساختار اجزای پلان (الگوهای هندسی و ارتباطات فضایی)، الگوها و روش ساخت (طاق‌ها، قوس‌ها و مواد و مصالح) و نظام عملکردی بنا مورد بررسی قرار گرفتند.

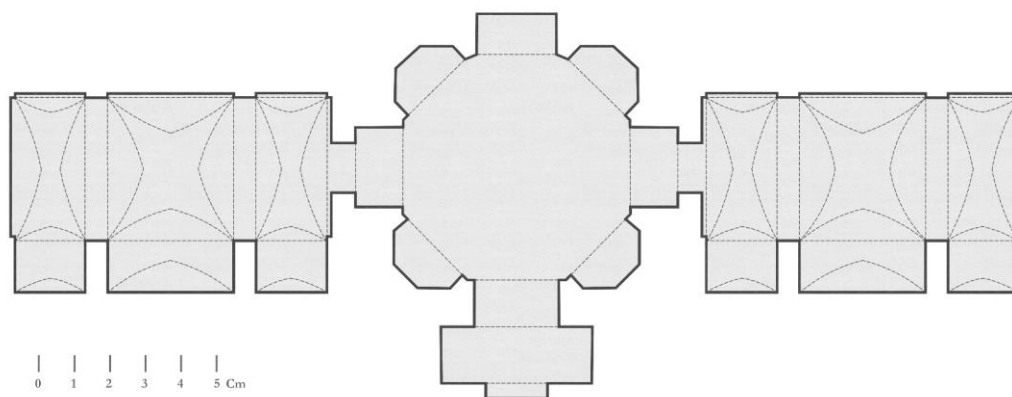
۴-۴-۱. ساختار اجزای پلان (الگوی هندسی و ارتباطات فضایی)

از لحاظ کالبدی، نظام ساختاری زندان شهربانی از سه الگوی متصل به هم تشکیل شده که با یکدیگر متفاوت هستند، ولی از طریق راهروها و درگاه‌های ارتباطی به یکدیگر متصل شده‌اند (شکل ۷).



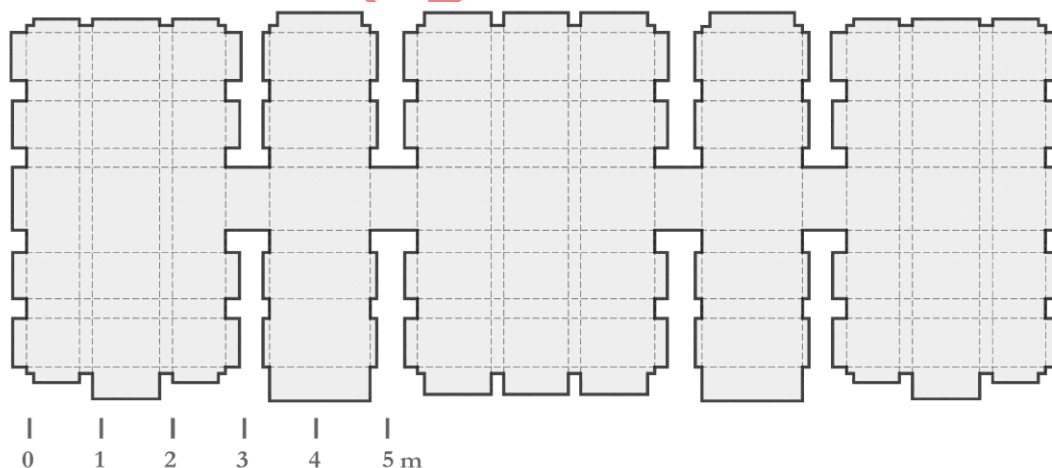
شکل ۷. معرفی و تفکیک الگوهای فضایی زندان شهربانی یزد (منبع: نگارندگان)

۴-۴-۱-۱. **زمینه مستطیل با الگوی طاق و توزیه:** گونه اول از ساختار الگویی بنا، دو فضای شرقی و غربی هشتی ورودی، در ضلع جنوبی بنا هستند (شکل ۸). همانطور که معرفی اجمالی اثر گفته شد، این فضاها، الگو و ساختاری کاملاً متفاوت از فضاهای قرار گرفته در اطراف حیاط با الگوی اتاق و راهرو دارند. این دو فضا با تناسب طولی ۱ به ۲، دارای تقسیماتی با سه دهانه هستند که دهانه میانی با عرض بزرگتر، ساختاری طاق و توزیه دارد و دهانه‌های کناری در زمینه مستطیل، الگو طاقی کجاوه دارند. در قسمت جنوبی این فضاها، غرفه‌هایی در امتداد فضای مرکزی با یک سوم عمق دهانه اصلی قرار گرفته است. در حال حاضر به دلیل اضافه کردن طاقنماهای نمای بیرونی به فضاهای داخلی، ساختار این فضاها تغییر یافته و با ایجاد درگاه‌های ارتباطی، الگوی جدیدی پیدا کرده‌اند (شکل ۵ و ۶ و ۷). دسترسی این فضاها، ارتباط مستقیمی با هشتی ورودی دارند و برای اتصال به فضاهای مجاور، درگاه‌هایی در دیوارهای شمالی آنها دیده می‌شود که احتمالاً برخی از آنها حاصل تغییرات و حذف و الحاقات دوره‌های بعدی هستند.



شکل ۸. نقشه الگوی فضاهای جانبی هشتی ورودی با زمینه مستطیل و تقسیمات عرضی بر مبنای الگوی طاق و تویزه (منبع: نگارندگان)

۴-۱-۲. الگوی اتاق و راهرو: این الگو با تناسب سه به پنج در اتاق‌های سه‌دری و با کشیدگی طولی پنج طاقچه و سه طاقچه در عرض، در اطراف حیاط میانی سازماندهی شده‌اند (شکل ۹). طاقچه میانی اضلاع طولی اتاق به صورت درگاه ارتباطی، دسترسی راهروها به اتاق‌ها را برقرار می‌کند. فضاهای قرار گرفته در دو جبهه شرقی و غربی حیاط، دارای سه اتاق و دو راهرو بوده که اتاق میانی در حدود ۵۰ تا ۶۰ سانتی‌متر عرضی از اتاق‌های قرار گرفته در کنج‌ها بزرگتر است. بازشوهای بیرونی اتاق‌های میانی دارای الگویی با تقسیمات سه تایی/سه‌دری هستند و اتاق‌های واقع در کنج‌ها الگوی دو طاقچه و یک بازشو در میانه، دارند. برخلاف اضلاع شرقی-غربی حیاط، اضلاع شمالی-جنوبی، دارای یک اتاق میانی، دو راهرو در طرفین و یک راهرو در قسمت انتهایی اتاق هستند. نکته جالب توجه در اتاق‌های میانی اضلاع شمالی و جنوبی حیاط، دیوار انتهایی آن‌ها یا دیوار موازی بازشوهاست. به صورتی که در فضای ۴۳، دیوار انتهایی دقیقاً همانند دیوار رو به حیاط دارای الگوی سه‌دری با سه درگاه بوده که ارتباط با راهروی سوم را برقرار می‌کرده است. این الگو در فضای قرینه آن در جبهه جنوبی (فضای ۱۵) به صورت دو طاقچه و یک درگاه در میانه، وجود دارد.



شکل ۹. نقشه الگوی اتاق‌های سه‌دری با راهروی طرفین، واقع در چهار جبهه حیاط اصلی (منبع: نگارندگان)

۴-۱-۳. الگوی مربع ستون‌دار: در گوشه‌های اضلاع حیاط، در امتداد فضاهای شرقی-غربی و شمالی جنوبی، ساختارهای مربع شکلی وجود دارند که در حال حاضر فقط یک نمونه از آن‌ها در جبهه جنوب شرقی، الگوی اولیه خود را حفظ کرده است. دو نمونه از این الگو تغییرات اساسی کرده و یک نمونه نیز تخریب شده است؛ ولی بر اساس شواهد به جای مانده الگوی ستون‌دار مرکزی آن‌ها نیز کاملاً قابل تشخیص است (شکل ۷). این الگو در فضای ۱۷، به صورت یک مربع نه قسمتی، با چهار ستون اصلی

در اطراف فضای میانی است که ساختار طاق و تویزه دارد. یکی دیگر از این الگوها، فضای شماره ۴۵ است که آثاری از سه ستون مرکزی و رد تقسیمات سه گانه نه قسمتی بر روی دیوارهای شرقی و غربی آن تا حدودی گویای الگوی اولی است. بر طبق عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵، فضای شماره ۲۹ در ضلع شمال شرقی حیاط نیز به احتمال بسیار زیاد، گونه‌ای از الگوهای مربع نه قسمتی بوده که در سال‌های انتهایی دهه ۵۰ ه.ش، به دلایل نامشخصی تخریب شده (یا تخریب کرده‌اند) و ساختار دیگری بر روی آن برپا شده است (در شکل ۱۶ توضیح داده می‌شود). همچنین بررسی عکس‌های هوایی فضاهای ۱۰-۱۱-۱۲ نشان می‌دهد که این فضاها دارای الگوی مربع ولی با تقسیمات چهار قسمتی و تک ستون مرکزی بوده‌اند. دسترسی این فضاها اغلب از راهروهای شمالی-جنوبی و شرقی-غربی اتاق‌های سه دری بوده که در حال حاضر درگاهی مستقیم با حیاط مرکزی دارند. بر طبق تصاویر بدست آمده از بنا در سال‌های ۴۰ ه.ش، احتمالاً این درگاه‌ها به صورت پنجره نورگیر بوده و در سال‌های بعدی تبدیل به درگاه شده است (شکل ۱۷).

۴-۵. الگوها و روش‌های ساخت

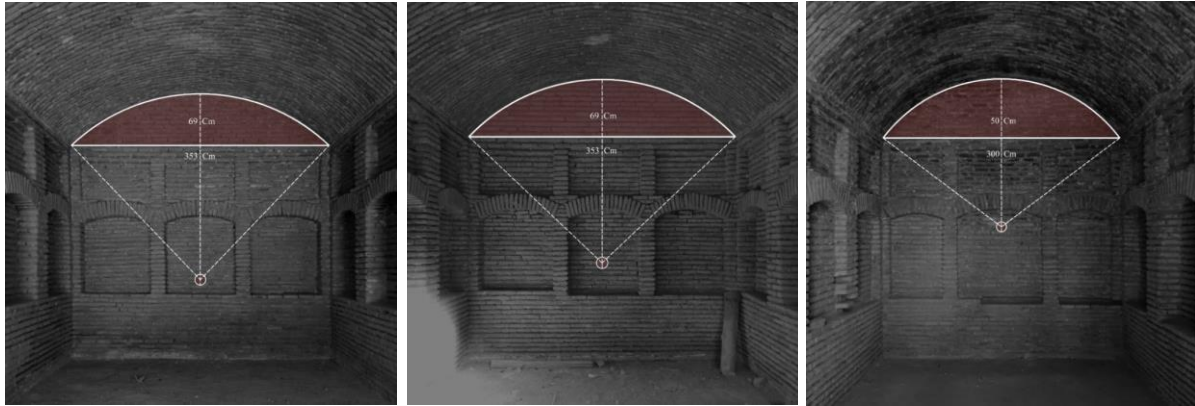
۴-۵-۱. گونه‌شناسی چفدها

به طور کلی تنوع چفدهای به کار رفته در بنا بر دو نوع چفدهای مازهدار تک مرکز و چفدهای تیزهدار سه مرکز با دو کمان، طبقه‌بندی می‌شوند. (شکل ۱۰، راست).



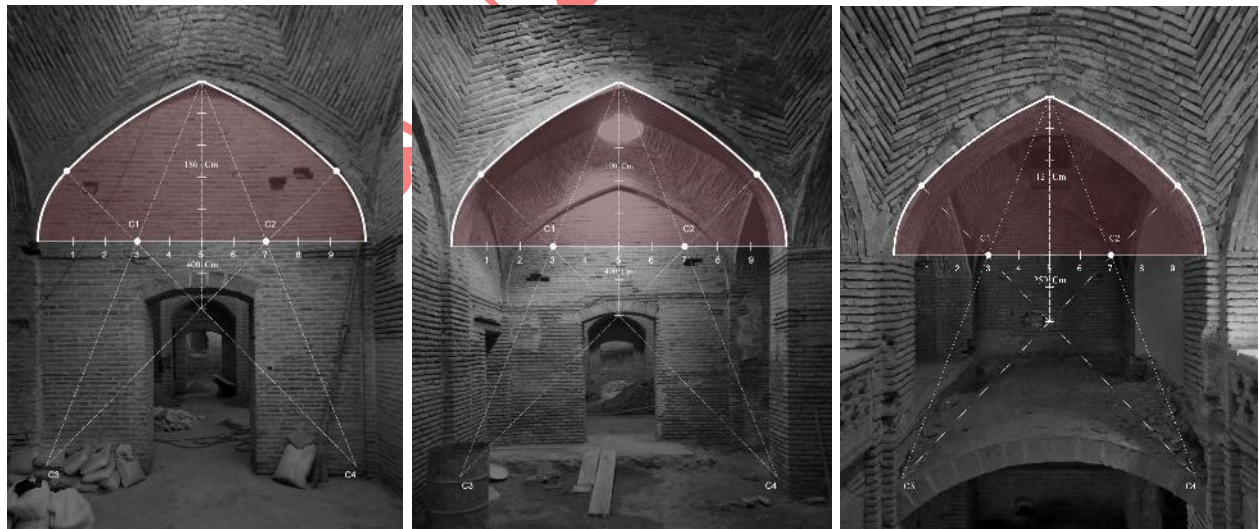
شکل ۱۰. نقشه تنوع چفدها و طاق‌ها بر اساس تفکیک هر فضا. (منبع: نگارندگان)

۴-۵-۱-۱. قوس‌های کمائی تک مرکز: از لحاظ پراکندگی و موقعیت قرارگیری، چفد طاق‌ها و طاقچه‌های تمامی فضاهای قرار گرفته در چهار جبهه حیاط اصلی، اعم از اتاق‌های سه دری و راهروهای طرفین آن، به غیر از فضای شماره ۴۵، همگی از قوس‌های تک کمان یا تک مرکز ساخته شده‌اند (شکل ۱۱).



شکل ۱۱. الگوی قوس‌های کمانی در فضاهای قرار گرفته در اطراف حیاط میانی (منبع: نگارندگان)

۴-۱-۵-۲. قوس‌های تیزه‌دار سه مرکز: از سوی دیگر، بخش عمده فضاهای جبهه جنوبی بنا که از هشتی ورودی تا فضای پشتی شماره ۱۴ را دربر می‌گیرد، با قوس‌های تیزه‌دار پنج و هفت تند اجرا شده‌اند (شکل ۱۲). این تفاوت می‌تواند ناشی از الگوی متفاوت پلان، ارتفاع بیشتر و دهانه وسیع‌تر این فضاها باشد. همچنین احتمال می‌رود تاریخ ساخت آن‌ها نسبت به فضاهای اطراف حیاط، که با قوس‌های کمانی ساخته شده‌اند، متقدم‌تر باشد. با این حال، در دوره‌های بعدی الحاقاتی در این بخش‌ها صورت گرفته که در برخی فضاها (از جمله فضای شماره ۱۷) ترکیب هر دو نوع قوس (تیزه‌دار و کمانی) را در کنار یکدیگر می‌بینیم (شکل ۱۲، راست). نکته قابل توجه در طراحی این فضاها و تناسب قوس‌های تیزه‌دار آن است که مرکز کمان اول قوس‌های پنج و هفت، با اختلاف بسیار ناچیز در تراز شروع ستون یا دیوار تکیه‌گاه دو طرف، بر سطح زمین قرار دارد. این ویژگی نشان می‌دهد تناسب طاق و تویزه‌های جبهه جنوبی تقریباً و شاید بتوان گفت دقیقاً، برابر تناسب یک مستطیل محاط‌شده در محدوده قوس پنج و هفت است.



شکل ۱۲. الگوی قوس‌های پنج و هفت تند در فضاهای جبهه جنوبی بنا (فضاهای شماره ۱۷، ۱۹ و ۲۳) (منبع: نگارندگان)

۴-۵-۲. گونه‌شناسی طاق‌ها



شکل ۱۳. ساختار آجری نما و هسته دیوارهای اطراف حیاط (منبع: نگارندگان)

۴-۶. نظام کارکردی

به گفته نایب حسن فکور، پاسبان کمیسری ناحیه دو بازار یزد در قدیم، این زندان در دوره قاجار به «**محبس نظمیه**» معروف بوده است (منشی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۲۵). متأسفانه اطلاعات و اسناد تاریخی زیادی از چگونگی توسعه و تغییر زندان قدیم (زندان قاجاری) به زندان پهلوی در دست نیست و کمتر بدین موضوع پرداخته شده است. اما یکی از محدود منابع مکتوبی که به فهم هرچه بهتر ساختار معماری زندان دوره پهلوی اول و دوم کمک می‌کند، کتاب «**خاطرات و یادداشت‌های پراکنده**» از محمدباقر منشی‌زاده است. منشی‌زاده تا سال ۱۳۵۷ سرپرستی «روزنامه کیهان» را در یزد داشت و سال‌ها نیز مشاور حقوقی اداره فرهنگ بود. از مهم‌ترین اقدامات او، فعالیت در «انجمن حمایت از زندانیان یزد» بوده است. او در کتاب خاطرات خود به روند شکل‌گیری این انجمن و ادامه کار آن پرداخته و در بین این خاطرات به معماری زندان هم اشاره کرده است. بر اساس خاطرات منشی‌زاده، می‌توان ساختار فضایی-کالبدی زندان را در دهه ۴۰ ه.ش تجسم کرد که در ادامه، به هریک از فضاهای زندان به تفکیک پرداخته شده است. این فضاها عبارت‌اند از حیاط، دفتر رئیس زندان، اتاق نگهبانی، اتاق نگهداری زندانیان، آسایشگاه مامورین زندان، کارگاه بافندگی، آشپزخانه، حمام، زندان سیاسی و دارالتأدیب. منشی‌زاده ساختمان زندان یزد را چنین توصیف می‌کند: قسمت اول **ساختمان زندان قدیم**، دفتر رئیس زندان سمت راست (فضای ۲۰-۲۱-۲۲) و آسایشگاه مامورین سمت چپ هشتی ورودی (فضای ۵-۶)، و اتاق نگهبانی و آشپزخانه و حمام در کنار راهرو باریک سمت راست هشتی، جنب دفتر نگهبانی با تعبیه دو درب محکم، مقفل ورود و خروج و مکان اسکان زندانیان بود که حیاطی مانند خانه‌های قدیمی با پنج اتاق در اطراف آن به ابعاد تقریبی ۳ در ۴ و ۲ در ۳ قرار داشت... که در سال ۱۳۴۰ ه.ش، انجمن حمایت زندانیان، بزرگ‌ترین اتاق (فضای شماره ۲۹) را به کارگاه بافندگی و قالی‌بافی اختصاص داد...» (منشی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۲۴/۱-۱۲۳). نکته بسیار جالب توجه این است که منشی‌زاده فضاهای قسمت جنوبی مرتبط با هشتی را **ساختمان زندان قدیم** ذکر می‌کند و همینطور نایب حسن فکور نیز آن را **محبس نظمیه** در زمان قاجاری می‌داند. به همین دلیل ممکن است این قسمت باقی‌مانده‌های زندان جلالی قاجار باشد که در دوران پهلوی فضاهای اطراف حیاط را که ساختاری متفاوت با این قسمت دارد، به آن اضافه کرده‌اند. طبق گفته نایب حسن، اتاق خوابگاه یا آسایشگاه مامورین در آن زمان به‌عنوان زندان استفاده می‌شده و جایی بوده که فرخی یزدی در آن زندانی بوده است (منشی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

او در شرح ماجرای تبعید دکتر شمس‌الدین امیر علائی^۷ به شهر یزد (مربوط به سال ۱۳۳۴ ه.ش) می‌نویسد: «محل شهربانی در آن زمان در ابتدای خیابان مهدی فعلی که خیابان شهربانی نامیده می‌شد، قرار داشت. در قسمت اول ورودی شهربانی حیاط کوچکی بود که با محل کلانتری یکی شده بود. پس از گذشتن از راهروی باریکی، وارد محوطه نسبتاً وسیعی می‌شد که اتاق روبه‌رو و بزرگ آن، دفتر رئیس شهربانی قرار گرفته بود. در گوشه غرب ساختمان، حیاط کوچکی با چند اتاق، مربوط به دایره راهنمایی و رانندگی بود... در ضلع جنوبی محل

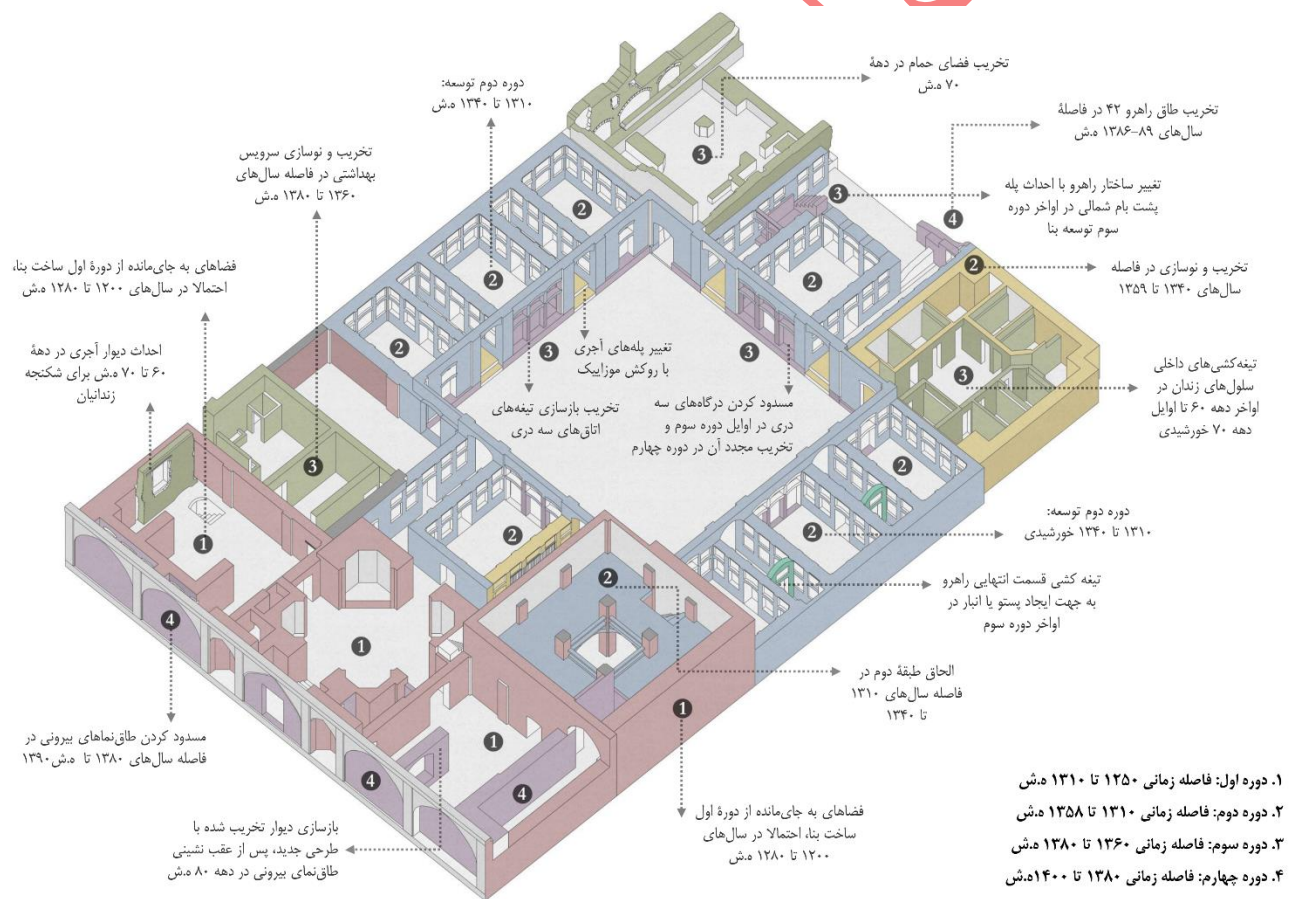
فوق‌الذکر شهربانی اتاقی مخروبه به ابعاد حدودی ۳ در ۴ متر وجود داشت که زیلوی مندرسی آن را فرش کرده بود. شخصی را که از ژاندارمری تحویل گرفته شد (منظور شمس‌الدین امیرعلائی است) و از تهران به برازجان و از آنجا به یزد تبعید کرده بودند، در اتاق مزبور بازداشت شده بود. چند نفر پاسبان نیز در راهرو و مقابل درب ورودی اتاق به صورت شبانه‌روزی مستقر گشته و هیچ‌کس حق نداشت در آن محدوده ایاب و ذهاب نماید» (منشی‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۹/۱). با توجه به این بخش از خاطرات منشی‌زاده، می‌توان کلیت فضاهای مختلف شهربانی یزد و سلسله مراتب آنها را در دهه ۳۰ ه.ش تجسم کرد. نکته قابل توجه و بسیار مهم، تفاوت میان زندان و شهربانی است. زیرا که بر طبق توصیفات او، علاوه بر زندان، ساختمانی دیگر به نام شهربانی در خیابان مهدی وجود داشته که در نزدیکی زندان بوده است. بنابراین باید توجه داشت که «زندان» و «شهربانی» در یک ساختمان واحد نیستند؛ بلکه زندان جزوی از نهاد شهربانی بوده و از این رو به زندان شهربانی معروف شده است. در نتیجه، اتاق رئیس زندان با اتاق رئیس شهربانی تفاوت داشته است. این موضوع در خاطره‌ای از منشی‌زاده هم مشخص است: «در اواسط آذرماه ۱۳۵۵ ه.ش... به هنگام بازدید از قسمت‌های مختلف زندان و یادداشت نواقص معلوم شد یک دستگاه از تلویزیون‌های منصوبه برای استفاده زندانیان کسر شده است. پس از تحقیق و بررسی و بنا به اظهار رئیس زندان، تلویزیون را سرهنگ (ج) رئیس شهربانی به دفتر کار خود برده بود... از دفتر «رئیس زندان» تلفنی با «رئیس شهربانی» تماس گرفته و از وی خواسته شد تلویزیونی که مخصوص استفاده زندانیان است فوری تحویل زندان بدهد و یادآوری نمودم سزاوار نیست این تلویزیون مورد استفاده ایشان باشد... در نهایت، رئیس زندان اطلاع داد تلویزیون را رئیس شهربانی به زندان فرستاده است...» (منشی‌زاده، ۱۳۸۷: ۹۷/۱).

حیات: بر اساس خاطرات منشی‌زاده، زندان شامل دو حیاط بوده که امروزه حیاط واقع در ضلع جنوب شرقی در اختیار اداره فرمانداری است. تا پیش از اقدامات انجمن حمایت از زندانیان، حیاط اصلی وضعیت آشفته‌ای داشته است که انجمن زندانیان تعمیراتی را در آن ترتیب دادند. او می‌گوید: «مجموع نمودن اوضاع و احوال آشفته به‌خصوص منظره حیاط زندان که وسط آن حوض تا نیمه آب کثیف و متعفن بود که زندانیان هر چند روز یک مرتبه به نوبت و با کسب اجازه از مسئولین زندان در آن استحمام می‌نمودند... وصف آن موجب ملال است و اصولاً تشریح وضع اسفناک زندان آن زمان قابل شرح و بیان نیست» (منشی‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۰/۱). او در جایی دیگر اشاره می‌کند: «هم‌زمان با جمع‌آوری کمک مالی که بی‌وقفه ادامه داشت عملیات تعمیرات ساختمان نیز شروع شد. این اقدامات به‌طور تدریجی صورت می‌گرفت و نزدیک سه سال به طول انجامید. در ظرف این مدت قسمت داخلی زندان کاملاً نوسازی و اتاق‌های محل سکونت زندانیان همه سفیدکاری و مفروش به آجر و موزاییک گردید. حوض آب وسط صحن... تخریب و ضمیمه باغچه اطراف آن قرار گرفت (منشی‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۲/۱). بنابراین، در گذشته حوض آبی در وسط حیاط زندان وجود داشته که در دهه‌های ۴۰ یا ۵۰ ه.ش تخریب شده و به باغچه‌های پیرامونی اضافه شده است. این حوض در تصاویر هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش قابل مشاهده است (شکل ۱۸). از طرف دیگر، اشاره‌ی او به سفیدکاری محل اقامت زندانیان نشان می‌دهد که در دهه ۴۰ خورشیدی، برخی از فضاها اندود داشته‌اند که امروزه هیچ اثری از آنها باقی نمانده است. **آشپزخانه و حمام:** منشی‌زاده به وضعیت نامطلوب و غیربهداشتی فضاهای آشپزخانه و حمام زندان اشاره می‌کند: «...اتاق‌های کاه‌گلی و آشپزخانه‌ی محقر و غیربهداشتی که در آن به‌وسیله هیزم غذای ناگفتنی‌ای برای زندانیان طبخ می‌شد... که از این رو، انجمن به‌دنبال تعمیر و نوسازی این فضاها برآمد» (منشی‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۰/۱). منشی‌زاده در این باره توضیح می‌دهد: «... عملیات ساختمانی حمام و توسعه و تعمیرات آشپزخانه مدت مدیدی متوقف و به درازا کشید. زیرا هنگام تخریب سکوها اطراف آشپزخانه (فضای شماره ۱۷) تعداد زیادی خم‌های بزرگ سفالین که محتوی باروت بود از شکاف‌های سکوها خارج شد و این جریان غیرقابل تصور، باعث شد که شهربانی موضوع را به تهران گزارش و با اعزام و بازدید کارشناسان مربوطه از طرف مقامات مرکزی و فیصله آن طی چندین ماه زندان بدون آشپزخانه و حمام بماند... و ناچار غذای زندانیان با زحمت زیاد در محوطه مخروبه مجاوز ساختمان زندان، که بعداً در آن دارالتادیب بنا شد، طبخ گردد. از طرفی هم زندانیان را به نوبت گاهی برای استحمام، تحت حفاظت مامورین به حمام عمومی خارج از زندان می‌بردند... سرانجام بعد از حدود پنج سال، وضع زندان سر و صورتی به خود گرفت و دارای آشپزخانه وسیع و مجهز به اجاق‌های گازی و ظروف نو و مناسب گردید» (منشی‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۲/۱).

کارگاه بافندگی: در خاطرات منشی زاده، می توان به شکل گیری اتاق مخصوص بافندگی در دهه ۴۰ ه.ش در زندان یزد پی برد. او می نویسد: «از طرفی چند کارگاه بافندگی ماشینی که شخصا برای خرید آن به اصفهان رفته و نیز کارخانه قالی بافی در بزرگ ترین اتاق زندان (فضای ۲۹) نصب و زندانیان با دریافت دستمزد عادلانه شروع به کار نمودند... هم چنین کلاس سوادآموزی و کتابخانه تشکیل شد و نماز جماعت هم در زندان اقامه می شد» (منشی زاده، ۱۳۸۷: ۵۲/۱).

۴-۷. سیر تحولات کالبدی و کارکردی (دوره بندی ساخت)

با بررسی و تحلیل ساختار کالبدی و ویژگی های معماری به همراه مطالعه مکتوبات تاریخی و اسناد تصویری در یک و نیم سده گذشته (از ۱۲۵۰ تا ۱۴۰۰ ه.ش) می تواند ۴ دوره زمانی را بر اساس مداخلات انجام شده و تغییرات کالبدی و کارکردی در بنای زندان شهربانی تشخیص داد (شکل ۱۴). در این قسمت تغییرات انجام شده در هر یک دوره ها بر روی مدل سه بعدی بنا طبقه بندی شدند و به طور مجزا تشریح می شوند: ۱. دوره اول: فاصله زمانی ۱۲۵۰ تا ۱۳۱۰ ه.ش ۲. دوره دوم: فاصله زمانی ۱۳۱۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش ۳. دوره سوم: فاصله زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵ ه.ش ۴. دوره چهارم: فاصله زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ ه.ش



شکل ۱۴. مدل دوره بندی و سیر تحولات کالبدی بنای زندان شهربانی (منبع: نگارندگان)

۴-۷-۱. دوره اول (۱۲۵۰ تا ۱۳۱۰ ه.ش)

مطالعه منابع مکتوب نشان داد که در زمان قاجار، دو زندان با نام زندان های جلالی در یزد وجود داشته که یکی در محدوده دارالحکومه (محله قلعه کهنه) و دیگری در میدان خان قرار داشته است. در تصاویر بدست آمده از محدوده دارالحکومه توسط مالکوم در سال ۱۲۷۷

تا ۱۲۸۳ ه.ش نشان می‌دهد که ساختار کلی این بنا متعلق به دوران قاجار است. به گفته نایب حسن فکور، پاسبان کمیسری ناحیه دو بازار یزد در قدیم، این زندان در دوره قاجار به «**محبس نظمیه**» معروف بوده است (منشی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱/۱۲۵). همچنین منشی‌زاده قسمت جنوبی این بنا را «**زندان قدیم**» یاد می‌کند. به علاوه بر اساس مطالعات انجام شده، قسمت جنوبی بنای شهربانی، شامل: هشتی ورودی و فضاهای شرقی و غربی آن به همراه فضای شبستانی شماره ۱۷، از لحاظ ساختار فضایی، روش ساخت، ابعاد اتاق‌ها و هندسه طاق و قوس‌ها با دیگر فضاهای بنای مذکور متفاوت است. بر همین اساس احتمالاً قسمت‌های جنوبی زندان و فضای قرار گرفته در مجاورت هشتی ورودی، باقی مانده‌هایی از زندان جلالی دوره قاجاریه، واقع در ارگ حکومتی است که در اوایل یا اواسط قاجار ساخته شده و در دوران پهلوی اول اتاق‌های اطراف حیاط میانی، بر اساس همان تناسبات قبلی نوسازی یا بازسازی شده‌اند.

به منظور روشن شدن وضعیت توالی ساخت و ساز در این قسمت، گمانه‌هایی در قسمت کف فضای ۰۵ زده شد. بررسی وضعیت لایه‌های بستر نشان داد که دیوارهای آجری فضاهای جنوبی، بر روی توده‌هایی از خاک ناهمگن ساخته شده و هیچ نشانی از پی‌سازی وجود ندارد. در تراز ۵۰- سانتی‌متر از کف، سه لایه کف فرش آجری نمایان شد که در لایه‌ی زیرین آن ۳ نمونه آجر ۶ ضلعی وجود داشت (شکل ۱۵). این آجرها گونه‌ای از آجرهای به کار رفته در بناهای قرون ۸ و ۹ هجری در یزد هستند (کریمی، ۱۳۸۵). خادم‌زاده، ۱۳۸۷. زارعی و همکاران، ۱۳۹۵). انباشت آجرهای ۶ ضلعی فرش‌شده و قطعاتی از آجرهای مربع شکل ۱۷ سانتی‌متری به ضخامت ۲.۵ سانتی‌متر، متعلق به معماری دوران ایلخانان و جانشینانشان (آل مظفر) است. همچنین تاریخ محله قلعه کهنه، که شروع احداث آن به سده هشتم و نهم هجری برمی‌گردد، این فرضیه را تقویت می‌کند که در زیر لایه‌های سطحی این بناها شواهدی از آن دوران وجود دارد که نیازمند مطالعات دقیق باستان‌شناسی است.



شکل ۱۵. گمانه زنی در کنار دیوار غربی فضای ۰۵ به منظور بررسی ساختار پی و خاک زیر دیوار (منبع: نگارندگان)
 (راست) تنوع آجرهای کشف شده (آجرهای ۶ و ۸ ضلعی، آجرهای مربع ۱۷ سانتی‌متری در ضخامت ۲.۵ سانتی‌متر) (چپ) تعدد سه لایه آجر فرش در تراز ۵۰- سانتی‌متر (وسط) و کشف سه آجر ۶ ضلعی در لایه سوم

۴-۷-۲. دوره دوم (۱۳۱۰ تا ۱۳۵۸ ه.ش)

بر خلاف دوره اول که اطلاعات بسیار اندکی از آن وجود دارد، در این دوره، اسناد و مدارک قابل توجهی برای ترسیم تحولات آن می‌توان یافت. این دوره یکی از پر رونق‌ترین روزهای زندان شهربانی در دوران حکومت پهلوی، قبل از شکل‌گیری انقلاب جمهوری اسلامی است. پس از روی کار آمدن حکومت پهلوی و شکل‌گیری بناهایی حکومتی با عنوان شهربانی، دوره دوم توسعه این بنا آغاز شد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، منشی‌زاده (۱۳۸۷: ۱/۵۲) یادآور می‌شود که در حدود دهه ۱۳۴۰ ه.ش، جبهه جنوبی زندان شهربانی، در مجاورت هشتی ورودی متعلق به آسایشگاه مأموران (در ضلع غربی هشتی)، دفتر رئیس زندان (در ضلع شرقی هشتی)، اتاق نگهبانی، آشپزخانه و حمام بوده است و راهروی باریک سمت راست هشتی با دو درب محکم و مقفل، مسیر ورود و خروج به بخش اسکان زندانیان را کنترل می‌کرده است (منشی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱/۵۲).

در این دوره، ساختار برخی از فضاهای دوره اول، تغییراتی اساسی کرد. به طور مثال، دسترسی فضای ۱۷ که در گذشته احتمالا فقط درگاه جنوبی متصل به فضای ۲۰ بوده، پس از تغییرات ساختاری این دوره، از درگاه راهروی ۱۶ ایجاد شد (شکل ۱۵). از شواهد به جای مانده در قسمت پاکار طاق‌های طبقه همکف، مشخص است که این فضا در ابتدا ساختاری یک طبقه داشته که احتمالا در دوره دوم تغییرات بنا در دهه ۴۰ ه.ش، با خالی کردن آجرهای چهار ستون مرکزی، پاکارهایی را برای احداث طاق طبقه فوقانی ایجاد کرده‌اند (شکل ۱۶). همچنین ضخامت دیوارها و نوع آجر چینی درگاه غربی، نشان می‌دهد که ضخامت آن در گذشته تقریبا نصف دیوار امروزی بوده است (شکل ۷). همانطور که در نقشه این فضا مشاهده می‌شود ضخامت جرزهای شمالی، جنوبی و غربی این فضا تقریبا برابر ۱۳۰-۱۳۸ سانتی‌متر است که دلیل آن قرار دادن خمره‌های سفالی جهت انبار کردن مواد خوراکی و غیر خوراکی بوده است.

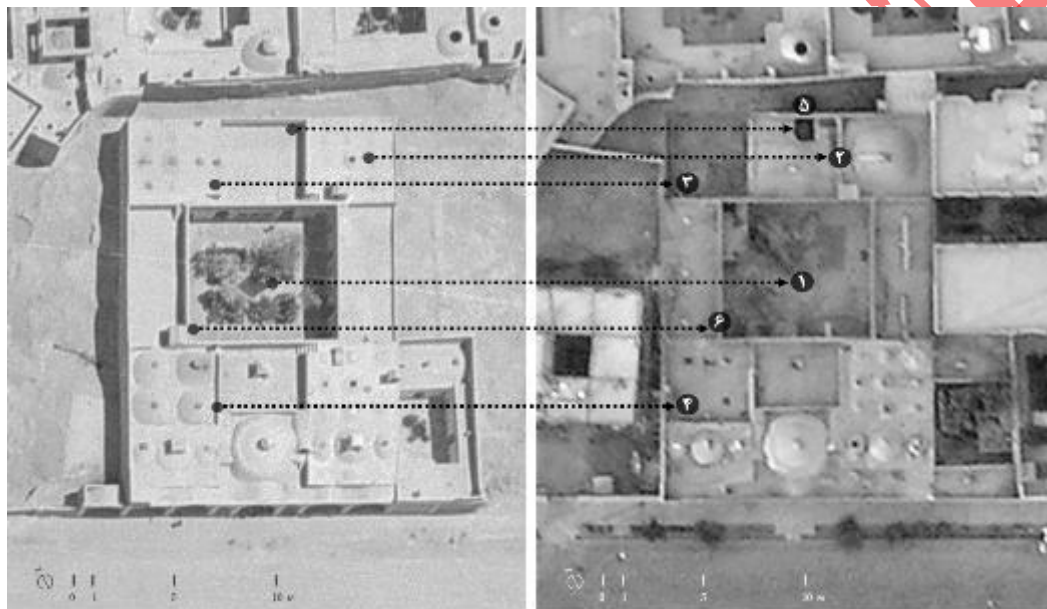


شکل ۱۶: تصویر داخلی فضای ۱۷. الحاق کمرپوش‌های میانی جهت احداث طبقه دوم (منبع: نگارندگان)

بر اساس خاطرات منشی زاده، این فضا در دهه ۴۰ ه.ش محل آشپزخانه زندان بوده و تپوهای سفالی برای انبار کردن باروت استفاده می‌شدند. بنابراین در همین دوره، پس از قرار دادن خمره‌ها یا تپوهای سفالی در داخل دیوار، ضخامت آن‌ها در طبقه همکف بیشتر شده و سپس تویزه‌هایی برای ساخت طبقه فوقانی، بر روی دیوارهای طبقه همکف ساخته شده است. به همین خاطر ساختار اولیه این فضا را از طریق ابعاد دهانه طاق و تویزه‌های طبقه فوقانی می‌توان حدس زد.

ساز و کار انبار کردن مواد در داخل تپوها به این صورت بوده که: دو خمره سفالی به عرض ۶۰ تا ۶۵ و ارتفاع حدودا ۱۰۰ سانتیمتر را روی هم قرار می‌دادند و با بریدن کف خمره بالایی، اتصال بین لبه خمره پایینی و کف خمره بالایی را برقرار می‌کردند. در قسمت کف طبقه فوقانی، حفره‌هایی دایره‌ای شکلی وجود دارد که تقریبا هم تراز لبه خمره بالایی است و محل ورودی غلات به درون خمره‌هاست. محل برداشت این غلات در طبقه همکف قرار داشته که با ایجاد طاقچه‌هایی در قسمت پایینی دیوار و قرار دادن ظروف سفالی کم عمقی در کف آن، مقدار مورد نیاز را از آن برداشت می‌کردند (شکل ۱۷).

یکی دیگر از تغییرات اساسی در این دوره، تخریب و نوسازی فضای شماره ۲۹، در قسمت شمال شرقی حیاط مرکزی است. بررسی و مقایسه تصاویر هوایی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۵۹ نشان می‌دهد که طاق و نورگیر میانی این قسمت در سال ۱۳۵۹ نسبت به سال ۱۳۳۵ تغییر شکل پیدا کرده؛ این تغییر نه فقط در طاق، بلکه در الگوی فضایی و مواد و مصالح ساخته شده در این فضا نیز دیده می‌شود (شکل ۱۹). به طوری که مصالح تشکیل‌دهنده دیوارها از آجری متفاوت با آجر فضاهای اطراف حیاط و با ملات سیمان ساخته شده است (شکل ۲۲). بر همین اساس می‌توان حدس زد که الگوی فضایی این قسمت همانند فضاهای ۱۷، ۴۵، تقسیمات ۹ قسمتی داشته (رد طاق‌های آن در تصویر هوایی ۱۳۳۵ مشخص است) که در اوایل این دوره به یک فضای یک دست، با چهار ستون در چهار گوشه و تویزه‌هایی بر روی آن، با دهانه‌ای در حدود ۶ متر تبدیل شده است. بر اساس تاریخ شفاهی و مکتوبات منشی‌زاده، این قسمت از فضای زندان در سال ۱۳۴۰ با کمک انجمن حمایت زندانیان، مجهز به چند دستگاه تولید بافندگی و کارگاه پارچه‌بافی شد.



شکل ۱۹. مقایسه تغییرات بنا بر اساس تصاویر هوایی سال ۱۳۳۵ (چپ) و ۱۳۵۹ (راست) (منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی یزد)

۱. تخریب حوض لوزی شکل و باغچه‌های اطراف آن در دهه ۴۰ ش.م. ۲. تغییر ساختار (تخریب و بازسازی) طاق فضای ۲۹. ۳. تخریب فضای حمام در دهه ۷۰ ه.ش.
۴. تخریب الگوی مربع چهار قسمتی تک ستون مرکزی و نوسازی ساخت و ساز جدید با تیر آهن و طاق ضربی در دهه ۷۰ ه.ش. ۵. اولین آثار خرابی در طاق فضای ۴۱. ۶. تخریب برج دیدبانی جبهه غربی حیاط

یکی دیگر از تغییراتی که احتمالاً در اواخر این دوره انجام شد، شکل‌گیری اتاق ملاقات زندانیان است. به طوری که با تخریب طاقچه‌های میانی دیوار شرقی فضای ۱۵ و انتقال درگاه به طاقچه انتهایی، پنجره ارتباطی برای مقالات زندانیان ایجاد گردید (شکل ۲۰).



شکل ۲۰. احداث اتاق ملاقات زندانیان و تغییر ساختار درگاه و طاقچه به منظور ایجاد حصار بازدید در فضای ۱۵ (منبع: نگارندگان)

۴-۷-۳. دوره سوم (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ ه.ش)

با تشکیل زندان جدید یزد در فاصله دوره سوم و چهارم توسعه بنا (حدود دهه ۶۰ ه.ش)، این بنا نزدیک به ۱۰ سال به حالت نیمه متروکه در می‌آید. پس از بازگشت به آن در اوایل دهه ۷۰ ه.ش، تغییراتی به منظور به روزرسانی عملکردهای زندان جدید انجام گردید. در این دوره قسمت‌هایی از بنای شهربانی تبدیل به بازداشتگاه مواد مخدر شد. تصاویر بدست آمده از اواخر دهه ۷۰ و یا اوایل ۸۰ ه.ش، گویای آن است که تیغه‌های اتاق‌های سه دری با پنجره‌های آهنی مسدود شده و این فضاها تبدیل به بازداشتگاه شده‌اند (شکل ۲۱).



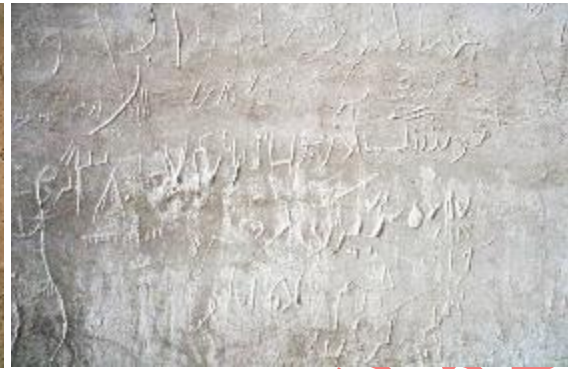
شکل ۲۱: حیاط داخلی زندان شهربانی در دهه ۷۰ یا ۸۰ ه.ش (منبع: آرشیو شخصی آقای وزیر).
در تابلوی نصب شده در سمت راست تصویر نوشته: «اعتیاد باعث ضعف اراده ...»

در همین راستا فضای شماره ۲۹ با احداث تیغه‌های داخلی و ساخت ۱۰ فضای مجزا از هم، تبدیل به سلول‌های اصلی زندان در دهه ۷۰ ه.ش شد (شکل ۲۲). بر اساس دیوار نگاره‌های داخلی سلول‌ها مشخص است که این فضا تا اواخر سال‌های ۱۳۷۰ به عنوان زندان مواد مخدر مورد استفاده بوده و در سال‌های ۱۳۸۰ مجدد متروک شده است. زیرا در بین چند صد دست نوشته تاریخی در فضای سلول‌ها، هیچ نوشته تاریخی مربوط به سال‌های دهه ۸۰ ه.ش مشاهده نمی‌شود (شکل ۲۳).





روز هشتم که اینجا است، ... از همدان، یک کیلو هروئین



... ۳۸۰ گرم ... ۱۳۷۴/۶/۱۲



... از راور کرمان، ۱۶ ساله، تاریخ دستگیری ۷۷/۱۱/۱۱



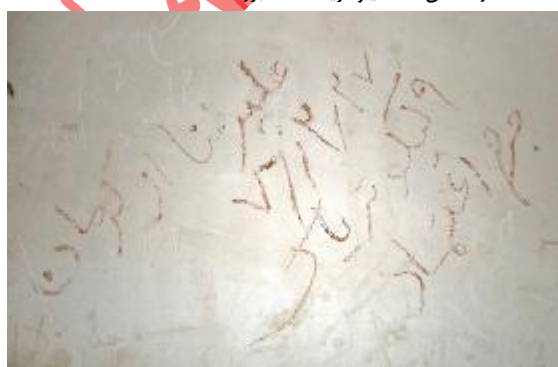
یا حسین مظلوم، کمک، دوستان در حق من نامردی کردند. ۷۷/۱۲/۱۸



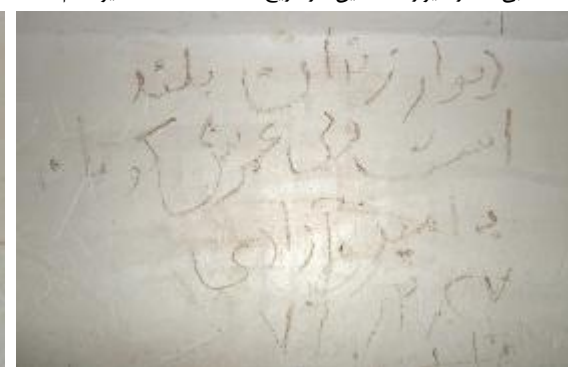
... از همدان، ۴۴ کیلو تریاک، خدا بزرگ است، ۱۳۷۴/۸/۳



بی‌گناه از شیراز، ... حسین، در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۲۱ دستگیر شدم



... از کرمان، ۱۳۷۶/۲/۲۷، ۹ کیلو تریاک. جرم اعتماد



دیوار زندان بلند است ولی عمرش کوتاه، به امید آزادی. ۱۳۷۱/۲/۲۷

شکل ۲۲. دیوار نگاره‌های سلول‌های زندان مواد مخدر در فضای شماره ۲۹

۴-۷-۴. دوره چهارم (۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ ه.ش)

در این دوره بنای شهربانی کاربری گذشته را نداشته و تغییر و تحولات صورت گرفته در آن صرفاً به جهت تعمیر و مرمت موضعی در قسمت‌هایی از بنا بوده که توسط سازمان میراث فرهنگی صورت گرفته است. به علاوه قسمت‌هایی از بنا همانند: طاق و دیوار شمالی فضای ۴۲ بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۹ تخریب شدند. یکی از تغییرات اساسی این دوره تغییر ساختار طاق‌نماهای بیرونی است. بررسی تصاویر هوایی سال ۱۳۳۵ و تصاویر گرفته شده توسط مالکوم نشان می‌دهند که، پنج طاق‌نمای بیرونی جبهه جنوبی بنا که امروزه نیز مسدود شده، عمق قابل توجهی داشته است (شکل ۲ و ۱۹). آثار تخریب و الحاقاتی که در دو فضای ۰۶ و ۰۷ وجود دارد گویای آن است که به احتمال زیاد این دو فضا قسمتی از طاق‌نمای بیرونی بوده که جزوی از فضای شهری و گذر کناری محسوب می‌شده است (شکل ۲۳).

همچنین بررسی ساختار نقشه‌ی بنا مشخص می‌کند که ابعاد و تناسبات فضای پیش ورودی هشتی (۱۶۰ در ۳۹۱ سانتی‌متر) هم در راستای فضای ۰۶ و ۰۷ است و هم از نظر ابعاد و تناسبات پلان (۱۶۲ در ۴۰۰ سانتی‌متر) و حتی خیز طاق (۱۸۰ سانتی‌متر) به طور قابل توجهی یکسان هستند. بنابراین ورودی بنا نیز با یک پیش ورودی همراه بوده که عرضی برابر طاق‌نماهای کناری داشته و پس از مسدود کردن طاق‌نماها، این پیش‌ورودی به قسمت داخلی بنا اضافه شده است. نکته دیگر این که دیوار جنوبی فضای ۰۶ و ۰۷ بر خلاف تمام قسمت‌های بنا که از مصالح آجری ساخته شده، با مصالح خشتی الحاق شده‌اند. همچنین نعل درگاه چوبی دیوار جنوبی این دو فضا، نشان از تقویت سرگانه دیوار بعد از باز کردن درگاه مشترک دارد (شکل ۲۳). بر اساس دلایل گفته شده این فرضیه را می‌توان مطرح کرد که: فضای شماره ۰۶ و ۰۷ و همین‌طور قسمت‌هایی از فضاهای ۲۰-۲۱-۲۲ جزوی از طاق‌نمای بیرونی بنا بوده، که احتمالاً در تغییرات سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵، با مسدود کردن دیوار جنوبی و برجیدن دیوار شمالی، به فضاهای داخلی اضافه شده‌اند (شکل ۲۴).



تصویر ۲۳: تغییر ساختار طاق‌نمای جبهه جنوبی و اضافه کردن آن به فضای ۰۵-۰۶ (چپ و میانی) و آثار به جای مانده از دیوار و طاق آن در فضای ۲۰-۲۱ (تصویر راست) (منبع: نگارندگان)



شکل ۲۴. نقشه تغییرات ساختاری فضای ۰۶-۰۷ در قسمت غربی هشتی ورودی و تغییرات فضای ۲۱-۲۲ در قسمت شرقی جبهه جنوبی (بالا) نقشه فرضی اولیه قبل از تغییرات (پایین) نقشه وضع موجود بعد از مسدود شدن طاق نما (منبع: نگارندگان)

۵- تحلیل یافته‌ها

با توجه به بررسی‌های ساختار کالبدی و کارکردی زندان شهربانی یزد، تحولات معماری این بنا، اعم از «ویژگی‌های کالبدی-فضایی» و «الگوها و روش‌های ساخت»، مستقیماً متأثر از تغییرات کارکردی زندان در ادوار مختلف بوده است. از طرفی قرارگیری این بنا در میدان مرکزی ارگ حکومتی قدیم یزد، نشان‌دهنده نقش محوری آن در سیاست‌های حاکمیت به شمار می‌رفته است. اگرچه به دلیل عدم وجود اسناد معتبر و دقیق، نمی‌توان در خصوص وضعیت کالبدی-فضایی و کارکردی محدوده بنا در دوران‌های پیش از قاجار اظهار نظر کرد، ولی همانطور که اشاره شد، با توجه به نوشته‌های تواریخ محلی در خصوص احداث دیوان‌خانه و مسجد شاه یحیی در زمان آل مظفر و ساخت حصار و خندق و خزانه‌داری و عمارت امیران در زمان تیموریان، نمی‌توان نقش حکومتی و بناهایی از این منظور را در این محدوده، انکار کرد.

مطالعه اسناد تاریخی بیانگر آن است که شکل‌گیری ساختار زندان‌ها تقریباً در اواخر دوران قاجار و همزمان با جنبش مشروطه (۱۲۸۴-۱۲۸۵ ه.ش) آغاز شد و این همزمانی گویای تأثیر مستقیم نهضت‌های سیاسی بر نهادینه شدن فضاهای

زندان مدرن است. موقعیت مکانی زندان قدیم در بخش شرقی ارگ حکومتی و در مجاورت مستقیم خانه حاکم در زمان جلال الدوله (۱۲۶۹-۱۲۸۳ ه.ق) و تأیید آن در نقشه شتالوف (شکل ۱)، نشان می‌دهد که قرارگیری عمده بنا این در قلب کانون قدرت قاجاری، فراتر از یک انتخاب اتفاقی بوده و نشان‌دهنده استراتژی کنترل مستقیم حاکمان بر زندانیان، به‌ویژه زندانیان طبقه اعیان و بالادست شامل افراد متمول، ثروت‌مند و سرشناس (مانند فرخی یزدی) است؛ سنتی که حتی پیش از قاجار نیز در ایران رایج بوده و در اینجا به شکل کالبدی تثبیت شده است.

در خصوص بررسی‌های کالبدی، از اختلاف آشکار ویژگی‌های معماری بخش جنوبی بنا (قوس‌های پنج و هفت، طاق و تویزه‌های رفیع و دهانه‌های وسیع) با فضاهای اطراف میانی، که در یادداشت‌های منشی‌زاده به‌عنوان «زندان قدیم» معرفی شده، می‌توان فرضیه‌ای را مطرح کرد که، این بخش از بنا یا متعلق به دوران قاجار است یا حتی پیش از آن ساخته شده و از نظر تکنیک و فرم به سنت‌های معماری پیشا قاجاری تعلق دارد؛ این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تداوم یک هسته کهن در دل بنای کنونی است. از سوی دیگر، تاریخ شکل‌گیری ارگ حکومتی در دوره مظفریان (قرن هشتم ه.ق) و توسعه آن در دوره تیموریان (قرن نهم ه.ق)، همراه با شواهد به‌دست‌آمده از گمانه‌های لایه بستر، فرضیه وجود بنایی کهن‌تر در زیر لایه‌های کنونی را تقویت می‌کند. این شواهد در مجموع نشان می‌دهد که تحول کالبدی زندان شهربانی یزد نه یک فرآیند خطی از دوره قاجار به بعد، بلکه ادامه زنجیره‌ای طولانی از باز استفاده و بازتعریف یک مکان قدرت در طول چندین سده بوده است.

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که همزمان با روی کار آمدن حکومت پهلوی و آغاز مدرنیزاسیون شهری در یزد، که مصادف با نخستین اقدامات شهرسازی مدرن بود، ارگ حکومتی و به تبع آن زندان شهربانی وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد. احداث خیابان فرمانداری در دوره پهلوی اول همراه با حذف کامل دروازه و میدان مرکزی ارگ که در تصاویر مالکوم و نقشه شتالوف به‌خوبی مشهود است (شکل‌های ۱ و ۲)، موقعیت کالبدی زندان را از کناره میدان حکومتی به حاشیه خیابان جدید منتقل کرد. با از بین رفتن میدان ارگ حکومتی، که در سده‌های طولانی به‌عنوان مرکز دارالحکومه نقش آفرینی می‌کرد و بناهای این مجموعه را حول خود سازماندهی کرده بود، نظام ارتباطی بنا با بستر شهری را دگرگون کرد و نقش بنا به‌عنوان یکی از اجزای دارالحکومه، تبدیل به یک بنای منفصل از لحاظ معنایی و کالبدی گشت. نکته جالب توجه آن است که با تأسیس رسمی نهاد شهربانی در دوره پهلوی اول، این بنا برای نخستین بار در تاریخ خود به کاربری صرفاً زندان اختصاص یافت و از فضاهای اداری شهربانی، که در خیابان مهدی مستقر بود، جدا شد. باید توجه داشت که پیش از آن در اواخر دوره قاجار نیز همین بنا به‌عنوان محبس نظمیه (پلیس شهری) مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما در دوره پهلوی اول به یک نهاد مستقل زندان شهربانی شناخته شد.

در ادامه این مسیر در زمان پهلوی دوم، افزودن عملکردهای جدیدی مانند آشپزخانه، حمام، آسایشگاه مأموران، کارگاه بافندگی، اتاق ملاقات و دارالتادیب، همراه با جداسازی دسترسی فضاهای اطراف حیاط (برای محبوسان) و جبهه جنوبی مجاور هشتی (برای مأموران و مدیر)، نشان می‌دهد که مفهوم زندان در این مقطع تاریخی دگرگون شده بود. این تحول کارکردی مستقیماً در تغییرات کالبدی، اعم از ساختار فضایی و نظام ارتباطی بازتاب یافت و گویای همخوانی کامل سیاست‌های جدید دولت پهلوی در خصوص بازسازی کالبدی بنا است.

بررسی‌ها نشان داد که پس از انقلاب اسلامی و فروپاشی نهاد شهربانی، حیات این بنا به حالت تعلیق درآمد. تأسیس زندان جدید یزد و استفاده محدود و موقت از بخش‌هایی از بنا به‌عنوان بازداشتگاه مواد مخدر در دهه‌های ۷۰-۸۰ ه.ش، ماهیت

زندان را از یک نظام سیستماتیک چندمنظوره به فضایی گذرا و بی‌هویت تنزل می‌دهد؛ تنزلی که در مداخلات کالبدی، شیوه ساخت‌وساز و مصالح به‌کاررفته نیز کاملاً مشهود است. پس از دهه ۸۰ ه.ش و با متروک شدن کامل بنا، مداخلات موضعی فاقد هرگونه توجه به کارکرد و کالبد تاریخی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کرد که کم‌ترین انطباق را با ساختار اصلی داشت. به طور کلی آنچه از مطالعات حاضر می‌توان استنباط کرد این است که، سیر تحولات کالبدی زندان شهربانی یزد در طول یک قرن اخیر مستقیماً وابسته به دو متغیر «کارکرد زندان» و «تعریف مفهوم آن در نهاد قدرت» بوده است: هرگاه این دو متغیر دچار دگرگونی بنیادین شده‌اند، کالبد بنا نیز به‌طور اجتناب‌ناپذیری باز تعریف شده یا دچار آسیب و انقطاع گردیده است.

در مجموع جدول شماره ۱، خلاصه‌ای از ویژگی‌های کالبدی و کارکردی زندان شهربانی یزد را در دوره‌های مختلف تاریخی، که در مطالعات حاضر بررسی شد، ارائه کرده است.

جدول ۱. ویژگی‌های کالبدی و کارکردی محله قلعه کهنه و بنای زندان شهربانی یزد در دوره‌های مختلف تاریخی (نگارندگان)

دوره تاریخی	حکومت	نام بنا	ویژگی‌های کالبدی	ویژگی‌های کارکردی
قرن ۸ ه.ق	آل مظفر	محدوده دارالحکومه	ساخت ایوانی چهار طبقه با چهار بادگیر بر چهار طرف و خانه عالی و گلست بر صفت بزرگ	دیوارخانه شاه‌بخی مظفری
قرن ۹ ه.ق	تیموری	قلعه مبارک	ساخت چهار صفت و طنبی و شاه نشین و عمارات عالی و ایوان‌ها با برج و بارویی عظیم و حفر خندق	خزانه و اموال دیوانی، محل حکومتگاه و محل سکنی حکام
قرن ۱۰ و ۱۱ ه.ق	صفهوی	قلعه کهنه	تخریب قلعه مبارکه	خرابه و متروکه
۱۲۵۰ تا ۱۳۱۰ ه.ش	پهلوی اول و قاجار	زندان جلالی، محبس نظمیه	فضاهای عریض و مرتفع و متصل به هشتی مرکزی با سیستم طاق و تویزه و قوس‌های تیزه دار (پنج و هفت تند) و عدم وجود درب و پنجره و نورگیر رو به حیاط	زندان ارگ حکومتی
۱۳۱۰ ات ۱۳۵۸ ه.ش	پهلوی اول و دوم	زندان شهربانی	احداث اتاق‌های سهدری با راهروهای طرفین در چهار جبهه حیاط مرکزی با طاق آهنگ و قوس قطاع دایره، تغییر ساختار درگاه‌های زندان قدیم به جدید، ساخت حوض و باغچه، ساخت دیوارهایی متشکل از خمره‌های انبار باروت،	کارگاه بافندگی، آشپزخانه، حمام، دارالتادیب، کتابخانه، نمازخانه، اتاق ملاقات، آسایشگاه مامورین، دفتر رئیس زندان، اتاق نگهداری
۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ ه.ش	جمهوری اسلامی	بازداشتگاه مواد مخدر	احداث سلول‌های بازداشتگاه، مسدود کردن نمای اتاق‌های سهدری با پنجره‌های آهنی، تخریب درب و پنجره‌های اصیل، تخریب حمام، تخریب برج دیدبانی جبهه غربی، تخریب و بازسازی فضای ۲۹، تخریب فضای ۴۱، تخریب و تغییر ساختار و الگوی فضای ۱۲ با احداث سرویس بهداشتی	بازداشتگاه موقت مجرمین غیر کیفری و مجرمین مواد مخدر
۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ ه.ش	جمهوری اسلامی	متروکه	۱ تغییر الگوی فضای ۲۱ و ۲۲، تخریب و بازسازی طاق و دیوار فضای ۲۱ و ۲۲ و ۳. تخریب و لاغر شدن قسمتی از جرز جنوبی فضای ۱/۲ به منظور ایجاد دو درگاه ارتباطی بین فضاهای ۰۲-۲۱-۱۷، مسدود کردن طاق‌نماهای بیرونی نما، تغییر ساختار ورودی با افزودن طاق‌نمای بیرونی به فضای درونی هشتی، تخریب قسمتی از دیوار اسپر فضای ۰۶ به منظور ارتباط فضاهای داخلی ۰۵ با طاق‌نماهای افزوده شده به قسمت داخل ۲۲.	ثبت ملی بنا و کارگاه مرمت و بازسازی میراث فرهنگی

۶. نتیجه‌گیری

نتیجه مطالعات حاکی از آن است که، زندان شهربانی یزد در سیر تحولات خود از زمان قاجار تا به امروز تغییرات گوناگونی را پشت سر گذاشته است. بر اساس مستندات ارائه شده، تغییرات کالبدی این بنا متأثر از تغییر مفهوم زندان و کارکردهای آن، در دوره‌های مختلف

حیات این بناست که سیر تحولات سیاسی، اجتماعی و تاریخی شهر و جامعه را روایت می‌کند. بررسی‌های انجام شده در راستای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، نشان می‌دهد که کالبد معماری این بنا از سه الگوی متفاوت و متصل به هم ساخته شده که بنا به نیازهای هر دوره، تغییراتی در الگوی ساختاری و نظام ارتباطی آن‌ها بوجود آمده است. این مقاله چهار دوره اصلی تحولات را بر اساس تغییرات کالبدی و کارکردی بنا، از اواسط قرن سیزدهم ه.ش تا به امروز شناسایی کرد. نکته جالب توجه وضعیت محدوده بنا پیش از دوران پهلوی است که نقش حکومتی و سیاسی آن را، به دلیل قرارگیری در میدان مرکزی ارگ حکومتی پر رنگ می‌کند. با گذار از زندان جلالی قاجار یا محبس نظمیه به زندان شهربانی پهلوی و تغییر مفهوم زندان از «مکانی تنبیهی» به «نهادی اصلاحی-امنیتی»، الگوهای ساختاری جدیدی در این بنا پدیدار شدند. این تغییر نگرش به مفهوم زندان همراه با گذار از فضاهای محبوس و کم نور به فضاهایی رو به حیاط مرکزی با آب و گیاه، همانند الگوی یک خانه بود. در همین راستا ساختار کالبدی و معماری زندان در دهه ۴۰ ه.ش با ورود عملکردهای جدیدی تطبیق داده شد. با توجه به مجموع عناصر کالبدی و نظام کارکردی این فضاها، می‌توان دریافت که در کنار نقش حاکمیتی زندان در زمان قاجار، نقش اجتماعی زندان در زمان پهلوی قوت بیشتری به خود گرفت. این نظام کالبدی و عملکردی در دهه‌های ۷۰ ه.ش، با وجود یک دهه وقفه تاریخی و متروک شدن بنا، همزمان با احداث زندان جدید یزد در مکانی دیگر، با تغییرات گسترده‌ای همراه شد. به طوری که با حذف کلی عملکردهای پیشین و احداث بازداشتگاه موقت، انسجام فضایی و کارکردی زندان از بین رفت و تغییرات ساختاری ایجاد شده با الگوهای تاریخی بنا همخوانی نداشت. در ادامه این روند، با مداخلات انجام شده توسط ارگان‌های مختلف در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ ه.ش، تمامی شواهد و مدارک زندان بودن این بنا از بین می‌رود و آن را شبیه «یک بنای تاریخی بدون تاریخ» می‌کند. همین امر بررسی بسیاری از تغییرات معاصر و حتی قبل‌تر از آن را در این بنای با ارزش مخدوش کرده‌است. در این دو دوره به گونه‌ای شاهد از بین رفتن اصالت و یکپارچگی کالبدی و کارکردی بنا هستیم که با عملکردهای جدید جایگزین شده‌اند و آنچه به جای مانده کمتر روایت‌گر گذشته اصیل بنا است. از سوی دیگر، وجود شواهد معماری از قرون هشتم و نهم هجری (از جمله آجرهای کشف‌شده در لایه‌های زیرین) و قرارگیری بنا در محدوده دارالحکومه قدیم یزد، که در دوره مظفریان احداث و در دوره تیموریان توسعه یافته بود، نشان از ساخت و سازهای قدیمی‌تر از دوران قاجار در این بنا دارد. بنابراین، انجام کاوش‌های دقیق باستان‌شناختی می‌تواند توالی مراحل ساخت‌وساز و سیر تحولات تاریخی این بنای ارزشمند را پیش از دوره قاجار روشن‌تر کند.

پینوشت

۱. کوتوال، در قدیم به معنای قلعه بان و دژبان است یعنی حاکم شهر

2. Conte de Monte Forte

3. Yeprem Davidian

4. Johan Carl Gustaf Westdahl

۵. جلال‌الدوله یا سلطان حسین میرزا، پسر ارشد مسعود میرزا ظل‌السلطان و همدم‌الملوک، دختر میرزاتقی‌خان امیرکبیر که با مادر مظفرالدین‌شاه خواهر بودند، در سال ۱۲۸۵ ه.ق - ۱۲۴۷ ه.ش متولد شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۶۸: ۴۳۶/۲) و از اواخر سال ۱۳۰۷ ه.ق - ۱۲۶۸ ه.ش به نایب‌الحکومتی یزد منصوب شد. حکایات و روایات مختلفی از انواع فساد، زورگویی و خشونت در دوره جلال‌الدوله در یزد وجود دارد. جلال‌الدوله در سال ۱۳۰۹ ه.ق - ۱۲۶۹ ه.ش پس از شکایت مردم یزد به حکومت مرکزی، عزل شد و تا سال ۱۳۱۱ ه.ق - ۱۲۷۲ ه.ش در تهران بود. دو سال بعد، مجدداً به حکومت یزد منصوب شد و تا سال ۱۳۲۳ ه.ق - ۱۲۸۳ ه.ش در این منصب باقی ماند.

6. Shtalov. Plan of city of Yazd. Half-schematic. 1899

۷. از اعضای حزب ایران و جبهه ملی ایران، دولتمرد دوران پهلوی و نخستین سفیر جمهوری اسلامی ایران در فرانسه بود.

- اسدی، مهدی (۱۳۹۵)، « نهاد شهربانی در دوره پهلوی اول (۱۳۰۲-۱۳۲۰ ه.ش) » رساله دکتری رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه خوارزمی (منتشر نشده).
- ایزدینا، غلامرضا، ایزدینا، وجیهه (۱۴۰۰). حقوق زندانیان از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی. *تمدن حقوقی* ۴ (۹)، ۳۸۳-۴۰۵. Doi: 10.22034/lc.2022.137382
- بهرا، بهاره، و نادری، نجمه (۱۳۹۹)، تبیین تحولات ساختار کالبدی باروی شهر تاریخی یزد از آغاز تا دوره تیموری، *مجله اثر*، ۴۱ (۳)، ۲۷۸-۲۵۸.
- تشکری بافقی، علی اکبر، افشار، ایرج، و رضوی، محمد (۱۳۸۸)، *خاطرات وکیل‌التولیه (میرزا محمد نواب رضوی) (۲ جلد)*. تهران: سخن.
- تشکری بافقی، علی اکبر (۱۳۹۲)، *یزد عصر صفوی (از تاسیس سلسله تا پایان حکومت شاه عباس اول)*، یزد: انتشارات اندیشمندان یزد.
- تشکری بافقی، علی اکبر (۱۳۹۳)، سلطان حسین میرزا جلال‌الدوله: نمادی از کارکرد قدرت در بافت اجتماعی ولایات عصر قاجار، *تحقیقات تاریخ اجتماعی* ۴ (۸)، ۷۳-۹۸.
- جهانفر، غلامرضا (۱۳۹۶)، *یزد در آینه زمان*. یزد: غلامرضا جهانفر (خود مولف).
- حمزه وندجالی، سیمین (۱۳۹۶)، « بررسی زندان‌های ایران از باستان تا قاجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی و ایران‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۵). *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خادم‌زاده، محمد حسن (۱۳۸۷). *معماری دوره آل مظفر یزد (ایلخانی و تیموری) با نگاهی به بناهای عصر اتابکان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- خزائی، یعقوب (۱۳۹۷)، *تحلیلی بر ساختار زندان پیشامدرن و مدرن (نمونه پژوهشی: انبار تهران و زندان قصر)*، *فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی* ۱۰ (۲)، ۱۳-۳۰. Doi: 10.22108/jhr.2018.76386.0.3
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۱. تهران: انتشارات آگاه.
- رشیدیان زربینی، علی، و جان‌احمدی، فاطمه، و قصری، محمد (۱۴۰۱)، *تحول ساختار نیروی انتظامی ایران در عصر قاجار بر اساس اسناد تاریخی*. *فصلنامه گنجینه اسناد* ۳۲ (۳)، ۳۹-۶۵. Doi: 10.30484/ganj.2022.2947
- رضایی فومنی، مهیلا، و ضیایی، حسام، و یزدان‌پناه، مهرعلی (۱۴۰۰)، *ظهور سوژه سیاسی و پدیدار شدن زیبایی‌شناسی زندان؛ با تأکید بر شعر شاملو*. *نقد و نظریه ادبی*، ۶ (۲)، ۱۴۳-۱۶۶. Doi: 10.22124/naqd.2021.19357.2198
- زارعی، محمد ابراهیم، و اشکذری، میردهقان، و خادم‌زاده، محمد حسن (۱۳۹۵)، *تزیینات معماری مسکونی دوره آل مظفر در منطقه یزد و جایگاه آن‌ها در خانه‌های این دوره*، *نشریه مطالعات معماری ایران* ۹ (۵)، ۱۰۱-۱۲۲.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳)، *مردم و دین‌های ایران (سفرنامه مادام کارلا سرنا)*، ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵)، *سیاحتنامه شاردن (ده جلد)*، ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.
- فلور، ویلمام (۱۳۸۵)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار (جلد دوم)*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- کاتب یزدی، احمد (۱۳۵۷)، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر
- کاوه، علی محمد (۱۳۲۸)، *سالنامه فرهنگ یزد*. یزد: گلپهار.
- کرزن، جرج ن (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران (دو جلد)*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریمی، امیرحسین (۱۳۸۵). *نقش برجسته‌های گلی گونه‌ای خاص از تزیینات معماری میبید*. در کتاب «میبید شهری که هست». به کوشش عیسی اسفنجاری کناری. سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، اداره کل امور فرهنگی و پایگاه پژوهشی شهر تاریخی میبید. ص ۲۳۸-۲۰۹

- مالکوم، ن. (۱۳۹۴). سرنامه یزدی، برداشته‌ی ناپیر مالکوم سیاح انگلیسی از شهر یزد در اواخر دوره قاجاریه، مترجم: علی محمد طرفداری. یزد: انتشارات مهریادین.
- مستوفی بافقی، محمد (۱۳۸۵). جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر. جلد ۱
- مسرور، حسین (۱۳۴۰)، ده نفر قزلباش (جلد اول). تهران: سازمان کتاب‌های جیبی.
- منشی‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۷)، خاطرات و یادداشت‌های پراکنده. قم: ریحانه‌الرسول. (اسم کتاب و انتشارات چک شود).
- مؤمنی، محسن (۱۳۹۷)، زندان و زندانی در دوره صفویه. فصلنامه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام. ۹ (۱۷). ۲۰۷-۲۳۶.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمدین علی (۱۳۹۲)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیرکبیر.
- هولتسر، ارنست (۱۳۷۹). ایران در یکصد و سیزده سال پیش، مترجم: محمد عاصمی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.

مجلات آماده انتشار مجله نشر